



صناعتی که مکار فیضی خلایق و اسماء

واجب الوجود یگانه فرض کنند که از هیچگاه تصنیف عالم ربانی حضرت قاضی محمد شافعی قدس سره



از نسخه مطبوعه مطبع نظامی تصحیح و افزایه تمام شکایات را در این کتاب الفبا مندرج است

در مطبعه می نشینی و از استنواط مطبعه این احکام شد

اس طرح میں علم و فن کی کتب موجود ہیں شاہین کو فرشتہ مطول سے جو غلوہ موجود ہے اور در خواست  
کرنے سے مل سکتی ہے معلوم ہو سکتا ہے کہ قیمت اس سکاں میں نہایت سارازان مطبوعاتی بہت کم صرف تین  
فصد و کتب مباحہ غیر بی شیعہ و مشی و کتب فارسی و نبوی اسلامی تفسیر و کتب حدیثہ و کتب لغت و لغت و لغت  
کی زیور و اب کرتے ہیں ناظرین اور شاہین ملا غفر ما کر خط کافی و میرہ و افی او شادین۔

بدایہ مع ترجمہ و شرح جامع الہدیہ ج ۱ و ۲  
 جو چند علماء نے تالیف کیا ہے اس کے بارے میں کہیں  
 کتاب متاخران و کلا کے لیے مفید ہے یا حلیہ میں  
 ۱۔ جلد اول کتاب احوال و اس سے کتاب الحج تک  
 ۲۔ جلد دوم کتاب الفرائض سے کتاب الوصیہ تک  
 ۳۔ جلد سوم کتاب بیوع سے کتاب الفتح تک  
 ۴۔ جلد چہارم کتاب المشرقہ سے مسائل شریعت  
 القضاء فی المسائل - المصنف - میر جبار علیہ  
 کثیر الدقائق فقہ کی معتبر کتاب مصنف مولوی  
 فقیر الدین کرمانی  
 مالابہ مشہور و جمیعیت نامہ - مصنف قاضی  
 سید السید بانی تہی

تقسیم نمک میں مولف مولوی	فتاویٰ الحیات معروف بدشیر نظام القاضی
نیاز الین	مع القاضی تقسیم نمک مولف مولوی محمد رفیع

تفسير القشدر في تخريج الانوار سلسلة خاتمة فائدة  
 كبايان في صفة شاه محمود حيدر  
 تفسير الاسلام معروف في تفسير الدين اس من فوائدها  
 دينة كبايان بنان ابل قصوف في صفة شمس الدين

GRAND 2002

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE2763

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد و عدد نزد حضرت واحد صمد که انوار سائل فقیهه برای تشنه کما مان زلال حسنیت عا سیرت  
 جاوید کرده و صلواته بی پایان بر خجانب سالات مآب که اصول بن مبین انشا و نشو و نما فی فروع سعاد  
 سجد بقیه وجود بر آورده اما بعد بناسکان مناسک بن بدین و ناهجان مناج ملت و آئین وضع باور از انجا که  
 تبرج کتب بر ذریع شرب اشاعت صحائف جمیع ملل و ملل بالذوم سطح نظر منبر پروردگار ملک بن مطیع کرام  
 درین ایام نسخه مالا بد مشبه بکلیه تصحیح و حله الطبع ترین یافته و از نسخه منقول شده که مطبع مکارم ایزد  
 منان محمد عبدالرحمن خان مہتمم نظامی در تمام تصحیح آن بعرق فسانی پرداخته و در مضامین خطیب  
 توسن قلم را گام بنج این عبارت ساخته ہوندا نسخه دستخطی خاص جناب قاضی صاحب علیہ الرحمۃ  
 از نزد مولوی حافظ محفوظ المد صاحب کہ از اولاد امجاد حضرت قاضی صاحب اند  
 طلب شدہ از ان نقل برگرفت و برای دستی حواشی آن مجتہد جناب حقائق و معارف آگاہ مولوی  
 حافظ محمد المد پانی پتی مولوی حافظ محمد عبدالعفا صاحب و بر اکثر ثانی بنجامت جمیع  
 علوم و فنون گرامی جناب مولوی حافظ سید عبدالمد صاحب بلگرامی و جناب افتخار صاحب  
 سرآمد فضلاء تبحرین مقبول بارگاہ صدر مولانا مفتی محمد عنایت احمد صاحب نجف  
 از بسکہ و عبارت نسخه خاص و دیگر نسخ مطبوعہ تفاوت بسیار در بیان آمد و نیز ثبت بعین حواشی





# فهرست مالا بدست

۲	مقدمه در بیان حال کتاب و مصنف حرر الله	۶۸	بیان نماز کسوف	۱۰	بیان طلب باران
۳	کتاب الایمان	۷۰	مسائل نماز نقل	۷۳	فصل در سجده نماز
۱۱	فصل در اتمام نماز	۷۵	کتاب الحجت		
۱۳	کتاب الطهارة	۸۰	فصل در شیه	۸۱	فصل در نام
۱۵	فصل در وضو	۸۳	فصل در زیارت قبور		
۱۶	فصل در غسل	۸۳	کتاب الزکوة		
۱۹	فصل در نجاسات	۹۱	مسائل مصرف زکوة	۹۱	فصل در صدقه فطر
۲۲	مسائل آب و تطهیر نجس	۹۳	فصل در صدقه نقل		
۲۳	کتاب الصلوة	۹۴	کتاب الصوم		
۲۵	فصل در فرضیت نماز	۹۸	فصل در وجوب کفارة	۱۰۳	مسائل در نیت مسافر
۳۰	فصل در اذان آقامت	۱۰۴	فصل در روزه کفارة	۱۰۶	فصل در عتکات
۳۲	فصل در ارکان نماز	۱۰۸	کتاب الحج		
۳۶	مسائل در سجده و رکعت	۱۰۹	کتاب التقوی		
۴۲	فصل در عدد رکعت و نماز	۱۱۵	فصل در خوردن یا آشامیدن	۱۱۳	فصل در لباس
۴۴	فصل در قضای نماز	۱۲۱	فصل در دود و آن	۱۱۸	فصل در کسب تجارت و اجاره
۵۳	فصل در نیت و نیت	۱۲۹	فصل در تنقیحات آداب باشرت و حقوق الناس و کفارة		
۵۶	فصل در نماز جمعه	۱۳۹	کتاب الاحسان		
۶۲	فصل در نماز و نیت و نیت	۱۴۱	ترجمه باب کلمات کفر	۱۵۵	وصیت نامه
۶۶	بیان نماز و نیت و نیت	۱۴۲	فصل در بی		



# صنایع نجیب کا فضیل و خلایل و اتمیا

واجب الوجود و یگانہ فرض کنندہ ناز و نیکانہ لضعیف عالم ربانی حضرت قاضی محمد ثناء اللہ قدس سرہ



منقول از نسخہ مطبوعہ مطبع نظامی بیچ و فرواہ تمام کتابکار و دارالان کمال الفرضیہ ہندوستان

## مطبعہ نیشنل نیشنل نیشنل نیشنل نیشنل





صفات و افعال و تعالی هم در کف است او همان به چون و چگونه  
 است مثلا صفة العلم او را بجهان صفتی است قدیم نگاشته است بی ط  
 که معلومات از آن ابد با احوال متناسب متضاد و کلا به ترتیب با اوقات  
 مخصوصه هر کدام در آن واحد است که در هر فعل آن وقت نیست  
 در فعل آن وقت مرده و بگذرند همچنین کلام او یک کلام است که تمام  
 منزه از تفصیل است و خلق و تکوین صفتی است مقتضی به نیکی ممکن چه  
 که ممکن است پیدا می تواند کرد و ممکن است تمام آنچه جوهر و چه عرض و چه فعل  
 اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند بابت و سائر کار و پوش  
 فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر رغبت فعل خود کرده چنانچه عقلا از حرکت  
 جمادات به حرکت پی می برند و میدانند که این حرکت فراخو حال انجم است  
 این را فاعلی است و رای او همچنین آن عقلا که بصیرت شان کمال است  
 که تحمل شده میدانند که ممکن پیدا کردن ممکن دیگر که فاعلی باشد از  
 افعال یا عرضی باشد از اعراض نمی تواند کرد و آری این قدر قوی و جفا

صفات و افعال و تعالی هم در کف است او همان به چون و چگونه  
 است مثلا صفة العلم او را بجهان صفتی است قدیم نگاشته است بی ط  
 که معلومات از آن ابد با احوال متناسب متضاد و کلا به ترتیب با اوقات  
 مخصوصه هر کدام در آن واحد است که در هر فعل آن وقت نیست  
 در فعل آن وقت مرده و بگذرند همچنین کلام او یک کلام است که تمام  
 منزه از تفصیل است و خلق و تکوین صفتی است مقتضی به نیکی ممکن چه  
 که ممکن است پیدا می تواند کرد و ممکن است تمام آنچه جوهر و چه عرض و چه فعل  
 اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند بابت و سائر کار و پوش  
 فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر رغبت فعل خود کرده چنانچه عقلا از حرکت  
 جمادات به حرکت پی می برند و میدانند که این حرکت فراخو حال انجم است  
 این را فاعلی است و رای او همچنین آن عقلا که بصیرت شان کمال است  
 که تحمل شده میدانند که ممکن پیدا کردن ممکن دیگر که فاعلی باشد از  
 افعال یا عرضی باشد از اعراض نمی تواند کرد و آری این قدر قوی و جفا







五

۶

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ  
لو اننا كنا نعلمون  
ان هذا هو الصراط المستقیم

المقدونين الزموا بوجوب عدم  
عبارة

بسمه اوقات در ضابطه  
شادی نسبت فقره  
در بعضی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

ای بر او بی نهایت کبریت	هر چه بروی میری بروی است
-------------------------	--------------------------

خیر و شر هر چه بوجدی آید و کفر و ایمان و طاعت و عصیان هر چه  
بنده مرکب آن میشود همه پراوده الهی است اما مقتضای از کفر و  
راستی نیست و بران عذاب مقرر فرموده و از طاعت ایمان را  
و ثواب بران وعده فرموده و اراده خیری دیگرست و رضا خیری دیگرست  
و هزاران هزار در و نامعد و دشار انبیاست عظیم الصلوات و الهیاست  
که اگر آنها ببعوث نمی شدند کسی راه هدایت نمیدید و بعلم حمت  
نمیرسید همه انبیا بر حق اند اول شان آدم است علیه السلام  
افضل شان محمد است صلی الله علیه و سلم خاتم النبیین و معراج پنجم  
صلی الله علیه و سلم و امیرای او از یک مسجد اقصی و از انجا  
بآسمان نهم و سده الهی حقت و کتابهای آسمانی که بر انبیا  
نازل شد تویت و انجیل و زبور و قرآن مجید و صحیفه  
ابراهم و غیره همه حق است بر همه انبیا و همه کتابهای خدا ایمان

[illegible][illegible]

باید آورد لیکن در ایمان خدا و انبیا و عدو گنا بها ملحق نباید داشت که عدد  
 آنها از دلیل قطعی ثابت نیست و انبیا همه معصوم اند از صغائر و کبائر  
 و آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و سلم بدلیل قطعی ثابت شده با همه  
 آن ایمان باید آورد و ایمان باید آورد که ملائکه بندگان خدا را  
 حق اند معصوم اند از گناهایان و منزه اند از مردی زنی محتاج  
 با کمال و شرف سائندگان و حی و حاملان عرش از و شهر کار یکسانند  
 بران قائم اند و انبیا و ملائکه با وجودیکه شرف مخلوقات متفرک  
 درگاه اند لیکن مثل سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه  
 خدا آنها را علم داده است و قدرت داده و بذات صفات  
 ایمان دارند چنانچه سایر مسلمانان دارند و در او را کتبه عجز و قصور  
 معترف و در ادای حقوق بندگی بشکر توفیق الهی ناطق بندگان  
 خاص الهی را در صفات واجب شریک داشتن یا  
 آنها را در عبادت شریک ساختن کفر است چنانچه دیگر گنا

باید آورد لیکن در ایمان خدا و انبیا و عدو گنا بها ملحق نباید داشت که عدد  
 آنها از دلیل قطعی ثابت نیست و انبیا همه معصوم اند از صغائر و کبائر  
 و آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و سلم بدلیل قطعی ثابت شده با همه  
 آن ایمان باید آورد و ایمان باید آورد که ملائکه بندگان خدا را  
 حق اند معصوم اند از گناهایان و منزه اند از مردی زنی محتاج  
 با کمال و شرف سائندگان و حی و حاملان عرش از و شهر کار یکسانند  
 بران قائم اند و انبیا و ملائکه با وجودیکه شرف مخلوقات متفرک  
 درگاه اند لیکن مثل سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه  
 خدا آنها را علم داده است و قدرت داده و بذات صفات  
 ایمان دارند چنانچه سایر مسلمانان دارند و در او را کتبه عجز و قصور  
 معترف و در ادای حقوق بندگی بشکر توفیق الهی ناطق بندگان  
 خاص الهی را در صفات واجب شریک داشتن یا  
 آنها را در عبادت شریک ساختن کفر است چنانچه دیگر گنا

باید آورد لیکن در ایمان خدا و انبیا و عدو گنا بها ملحق نباید داشت که عدد  
 آنها از دلیل قطعی ثابت نیست و انبیا همه معصوم اند از صغائر و کبائر  
 و آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و سلم بدلیل قطعی ثابت شده با همه  
 آن ایمان باید آورد و ایمان باید آورد که ملائکه بندگان خدا را  
 حق اند معصوم اند از گناهایان و منزه اند از مردی زنی محتاج  
 با کمال و شرف سائندگان و حی و حاملان عرش از و شهر کار یکسانند  
 بران قائم اند و انبیا و ملائکه با وجودیکه شرف مخلوقات متفرک  
 درگاه اند لیکن مثل سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه  
 خدا آنها را علم داده است و قدرت داده و بذات صفات  
 ایمان دارند چنانچه سایر مسلمانان دارند و در او را کتبه عجز و قصور  
 معترف و در ادای حقوق بندگی بشکر توفیق الهی ناطق بندگان  
 خاص الهی را در صفات واجب شریک داشتن یا  
 آنها را در عبادت شریک ساختن کفر است چنانچه دیگر گنا

[illegible]







و راویان قرآن اند و هر که منکر صحابه باشد او را ایمان بقرآن غیر  
 ایمانیات و متواترات ممکن نیست و باجماع صحابه و نصوص ثابت است  
 که ابو بکر افضل صحابه است پسر عمر بن الخطاب ابو بکر را افضل نسبت به ابو  
 بیت کردند و با اشاره ابی بکر بر خلافت عمر بعد از ابی بکر بنابر فضل او  
 اجماع آوردند و بعد عمر سه روز صحابه با هم مشوره کرده عثمان را افضل  
 دانسته بر خلافت و اجماع کردند و با وی بیت نمودند و بعد عثمان همه صحابه  
 مهاجرین و انصار که در مدینه بودند به علی رضی کرم الله وجهه بیت کردند  
 که کسی که با علی مرتضیٰ منازعت کرده مخطی است لیکن سوادین  
 با صحابه نباید کرد و مشاجرات آنها را مجمل نیک فرود باید آورد  
 و با هر یک محبت و عقیدت باید داشت اینست عقاید اهل حق  
 فضل در اهتمام نماز بعد صحیح عقاید عمده ترین در عبادات نماز است  
 و صحیح مسلم از جابر مروی است که فرمود علیه السلام که  
 در میثاق بنده و در میان کفر ترک صلوات است







15

160

۱- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۲- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۳- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۴- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۵- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۶- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۷- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۸- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۹- در بیان این موضوع که در این کتاب  
 ۱۰- در بیان این موضوع که در این کتاب





**فصل غسل مستن تمام بدن و آب در بدن و در بینی کردن**  
 با شستن مستن خاص و مطلق و پنج معانی شستن هر چه باشد  
**فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست**  
**حقیقی از بدن پاک کند پیش و نمونند لیکن اگر در جای که آب**  
**غسل جمع میشود غسل میکند پای بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن**  
**بشوید و بزرگ ساین بدن آب ریختن مویها بافته فرست و شستن**  
**مویهای بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موی سر داشته باشد شستن**  
**مویها مستن تمام آن از سر تا بن فرض است فصل نجاست**  
**غسل جماعت و قبل شستن باید و بر مرد یا زن اگر طاهره**  
 اگر چه طاهره یعنی شستن که داخل شده باشد  
**نشود و دیگر انزال است بجنبندگی و شست در بیداری یا در**  
**خواب و از خواب بیدار شدن بدون انزال غسل واجب نشود**  
**و دیگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب گردد**  
**اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز**  
**است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت به رنگ**

در غسل مستن تمام بدن و آب در بدن و در بینی کردن  
 با شستن مستن خاص و مطلق و پنج معانی شستن هر چه باشد  
 فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست  
 حقیقی از بدن پاک کند پیش و نمونند لیکن اگر در جای که آب  
 غسل جمع میشود غسل میکند پای بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن  
 بشوید و بزرگ ساین بدن آب ریختن مویها بافته فرست و شستن  
 مویهای بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موی سر داشته باشد شستن  
 مویها مستن تمام آن از سر تا بن فرض است فصل نجاست  
 غسل جماعت و قبل شستن باید و بر مرد یا زن اگر طاهره  
 اگر چه طاهره یعنی شستن که داخل شده باشد  
 نشود و دیگر انزال است بجنبندگی و شست در بیداری یا در  
 خواب و از خواب بیدار شدن بدون انزال غسل واجب نشود  
 و دیگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب گردد  
 اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز  
 است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت به رنگ

در غسل مستن تمام بدن و آب در بدن و در بینی کردن  
 با شستن مستن خاص و مطلق و پنج معانی شستن هر چه باشد  
 فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست  
 حقیقی از بدن پاک کند پیش و نمونند لیکن اگر در جای که آب  
 غسل جمع میشود غسل میکند پای بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن  
 بشوید و بزرگ ساین بدن آب ریختن مویها بافته فرست و شستن  
 مویهای بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موی سر داشته باشد شستن  
 مویها مستن تمام آن از سر تا بن فرض است فصل نجاست  
 غسل جماعت و قبل شستن باید و بر مرد یا زن اگر طاهره  
 اگر چه طاهره یعنی شستن که داخل شده باشد  
 نشود و دیگر انزال است بجنبندگی و شست در بیداری یا در  
 خواب و از خواب بیدار شدن بدون انزال غسل واجب نشود  
 و دیگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب گردد  
 اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز  
 است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت به رنگ

باشد و ای سفیدی خالص خواب حیض و نفاس انکاشته شود  
و اقل طهر پانزده روز است آنچه از سه روز کمتر و از ده روز زیاد  
حیض دیده شود و آنچه از چهل روز زیاد و در نفاس دیده شود  
خون استحاضه باشد که مانع نماز و روزه نیست اگر زنی حیض  
زیاده از عادت شود تا ده روز مرض گفته شود و اگر از ده روز  
زیاده شود پس آنچه از عادت زیاده باشد همه آن استحاضه است  
و متدبره را زیاده از ده روز استحاضه گفته شود و پاکی که در میان  
دست حیض یا نفاس یافته شود حیض و نفاس است  
از حیض نفاس نماز ساقط شود قضای آن واجب نیست  
روزه را حیض و نفاس مانع است لیکن قضا واجب است و جماع  
در حیض و نفاس حرام است نه در استحاضه حیض اگر پیش از  
ده روز منقطع شود بدون غسل کردن زن وطی حلال نشود  
مگر آنکه وقت نماز بگذرد و در آن قطع بعد از ده روز بدون

باشد و ای سفیدی خالص خوب حیض و نفاس انباشته شود  
 و اقل طهر یا تیره روز است آنچه از سه روز کمتر و از ده روز زیاد  
 حیض دیده شود و آنچه از چهل روز زیاد در نفاس دیده شود  
 خون استحاضه باشد که مانع نماز و روزه نیست اگر زنی حیض  
 زیاده از عادت شود تا ده روز مرض گفته شود و اگر از ده روز  
 زیاده شود پس آنچه از عادت زیاده باشد همان استحاضه است  
 و معتدیه را زیاده از ده روز استحاضه گفته شود و پایی که در میانه  
 مدت حیض یا نفاس یافته شود حیض و نفاس است  
 از حیض نفاس نماز ساقط شود قضای آن واجب نیست  
 روزه را حیض و نفاس مانع است لیکن قضا واجب و جماع  
 در حیض و نفاس حرام است نه در استحاضه حیض اگر پیش از  
 ده روز منقطع شود بدون غسل کردن زن وطی حلال نشود  
 مگر آنکه وقت نماز بگذرد و در قطع بعد ده روز بدون



درین مورد و درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 است که درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 درین مورد و درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 است که درین جهت که درین کتاب مذکور است

در قیاس و مقدار چنانچه باشد در غلیظت و رقیق است لیکن آب فاسد کند  
 مسئله و پس خورده آدمی اگر چه کافر باشد و آب جانوران حلال گوشت  
 و عرق آنها و عرق خروا و ستر پاک است پس خورده گربه و موش و دیگر  
 جانوران چنانگی شل کرفش مانند آن و برندگان حرام گوشت  
 مکره است و پس خورده جوک و سگ و فیل و چهار پا چکان ام گوشت  
 سوای گربه و مانند آن نجس است مسئله و قبول اگر مثل سوسون  
 متخرج شود و عفو است فصل طهارت از نجاست حکمی حاصل نشود مگر  
 از آب پاک که از آسمان فرود آید یا از زمین برآید مثل آب ریاح و چاه  
 و چشمه پس از آب حنت یا مثل آب تر بوزیا انگور یا کیله طهارت  
 حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک یا صابون یا  
 زعفران نه و از آن جائز است مگر و قتی که رقت وارد کند یا در اجزا  
 از آب برابر یا زیاد مخلوط شود چنانچه نیم سیر گلاب نیم سیر آب مخلوط شود یا  
 آنکه نام آب و و و و و نام آن شور یا یا گلاب یا مسکه یا مانند آن در صورت

درین مورد و درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 است که درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 درین مورد و درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 است که درین جهت که درین کتاب مذکور است

درین مورد و درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 است که درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 درین مورد و درین جهت که درین کتاب مذکور است  
 است که درین جهت که درین کتاب مذکور است



و صورت غسل از آن با جماع جائز نباشد و شستن با پنج پنجم مانان  
 از آن نزد امام عظیم جائز باشد نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد  
 من این شک اگر از پارتی تر شده شود پارتی پاک کرد و شستن  
 مانند آن مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر نشکست شود و  
 نجاست باقی نماند بر بنی نماز پاک شود نه برای تحیم و همچنین دیوار  
 و پشت منقوش و درخت و گیاه غیر ترلع و مقطوع بدون شستن  
 پاک نشود و دست نجاست که نوار باشد شستن بمقداری که عین زایل  
 شود و امام عظیم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار باید شست و  
 هر بار اگر ممکن شد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که قطره نماز و نجاست  
 که نمودار نباشد آنرا سه بار یا هفت بار یا دیشست و هر بار باید  
 و سرگین اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد  
 امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نمکسرافت و نمک شود  
 پاک شود و نزد محمد نه نزد ابی یوسف و پوست مردار بد با

باید شست و اگر از پارتی تر شده شود پارتی پاک کرد و شستن  
 مانند آن مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر نشکست شود و  
 نجاست باقی نماند بر بنی نماز پاک شود نه برای تحیم و همچنین دیوار  
 و پشت منقوش و درخت و گیاه غیر ترلع و مقطوع بدون شستن  
 پاک نشود و دست نجاست که نوار باشد شستن بمقداری که عین زایل  
 شود و امام عظیم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار باید شست و  
 هر بار اگر ممکن شد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که قطره نماز و نجاست  
 که نمودار نباشد آنرا سه بار یا هفت بار یا دیشست و هر بار باید  
 و سرگین اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد  
 امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نمکسرافت و نمک شود  
 پاک شود و نزد محمد نه نزد ابی یوسف و پوست مردار بد با

و صورت غسل از آن با جماع جائز نباشد و شستن با پنج پنجم مانان  
 از آن نزد امام عظیم جائز باشد نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد  
 من این شک اگر از پارتی تر شده شود پارتی پاک کرد و شستن  
 مانند آن مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر نشکست شود و  
 نجاست باقی نماند بر بنی نماز پاک شود نه برای تحیم و همچنین دیوار  
 و پشت منقوش و درخت و گیاه غیر ترلع و مقطوع بدون شستن  
 پاک نشود و دست نجاست که نوار باشد شستن بمقداری که عین زایل  
 شود و امام عظیم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار باید شست و  
 هر بار اگر ممکن شد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که قطره نماز و نجاست  
 که نمودار نباشد آنرا سه بار یا هفت بار یا دیشست و هر بار باید  
 و سرگین اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد  
 امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نمکسرافت و نمک شود  
 پاک شود و نزد محمد نه نزد ابی یوسف و پوست مردار بد با

پاک باشد **مسئله** اقل نیت تیمم کند و هر دو دست بر زمین زده یکبار بر تمام روی بمالد و باز بر زمین زده بر هر دو دست تا آنجی بمالد این سه چیز در تیمم فرض است اگر مقدار آن هم از دست یا روی باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم روان باشد پس انگشتری را حرکت باید داد و خلال در انگشتان باشد **مسئله** تیمم پیش از وقت نماز جائز است و از یک تیمم چند نماز فرض و قفل خواندن جائز است **مسئله** اگر آب قاق در تیمم حاصل گردد و اگر در عین نماز بر آب قاق شود نماز که به تیمم شروع کرده باشد اگر **مسئله** اگر بدن مصلی یا پارچه او نجس باشد و بر آفتاب باشد او را نماز با نجاست جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سرعت قاق باشد

کتاب الصلوة

فصل نماز از در آمدن وقت در حالت اسلام و عقل و بلوغ  
پاک از حیض و نفاس فرض میشود **مسئله** اگر از وقت بقدر تحریر

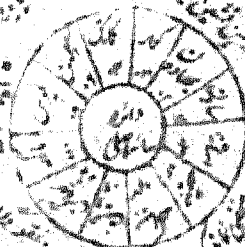
باید که پیش از آنکه نماز را شروع کند و هر دو دست بر زمین زده یکبار بر تمام روی بمالد و باز بر زمین زده بر هر دو دست تا آنجی بمالد این سه چیز در تیمم فرض است اگر مقدار آن هم از دست یا روی باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم روان باشد پس انگشتری را حرکت باید داد و خلال در انگشتان باشد  
**مسئله** تیمم پیش از وقت نماز جائز است و از یک تیمم چند نماز فرض و قفل خواندن جائز است  
**مسئله** اگر آب قاق در تیمم حاصل گردد و اگر در عین نماز بر آب قاق شود نماز که به تیمم شروع کرده باشد اگر  
**مسئله** اگر بدن مصلی یا پارچه او نجس باشد و بر آفتاب باشد او را نماز با نجاست جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سرعت قاق باشد  
کتاب الصلوة  
فصل نماز از در آمدن وقت در حالت اسلام و عقل و بلوغ  
پاک از حیض و نفاس فرض میشود  
**مسئله** اگر از وقت بقدر تحریر

باید که پیش از آنکه نماز را شروع کند و هر دو دست بر زمین زده یکبار بر تمام روی بمالد و باز بر زمین زده بر هر دو دست تا آنجی بمالد این سه چیز در تیمم فرض است اگر مقدار آن هم از دست یا روی باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم روان باشد پس انگشتری را حرکت باید داد و خلال در انگشتان باشد



حواشی متعلقہ صفحہ ۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible][illegible]



تمتہ جدول اقدار سایہ اصلی متعلقہ صفحو ۲۵														
نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع
دوم	۱۱۴	۲۰۲۹	۲۴۵	۲۴۴	۲۴۸	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۳	۵۱۱	۲۴۴	۲۱۲	۲۴۴	۵۱۱	۲۴۴
دوم	۱۱۵	۲۹۲۹	۲۹۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۹۵	۲۴۳	۵۲۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۲۱	۲۴۲
دوم	۱۱۶	۳۰۲۹	۲۹۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۹۵	۲۴۳	۵۲۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۲۱	۲۴۲
دوم	۱۱۷	۳۲۲۹	۲۱۵	۲۹۴	۲۴۸	۲۹۴	۲۱۵	۲۴۳	۵۵۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۵۱	۲۴۲
دوم	۱۱۸	۳۵۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۱۹	۳۸۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۰	۴۱۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۱	۴۴۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۲	۴۷۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۳	۵۰۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۴	۵۳۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۵	۵۶۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۶	۵۹۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۷	۶۲۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۸	۶۵۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۲۹	۶۸۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۳۰	۷۱۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۳۱	۷۴۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۳۲	۷۷۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۳۳	۸۰۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۳۴	۸۳۲۹	۲۲۵	۲۴۴	۲۰۸	۲۴۴	۲۲۵	۲۴۳	۵۶۱	۲۴۴	۲۴۲	۲۴۲	۵۶۱	۲۴۲
دوم	۱۳۵	۸۶۲												



بر هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع  
 نشود و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب آن  
 وقت عصر همان روز با کراهت تحریمی جائز است و دیگر نماز  
 فرض و نقل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت  
 مغرب است تا غروب شفق سرخ تر و اکثر علماء و نزد امام  
 اعظم بر قولی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند  
 لیکن بعد از بنوه ستارگان نماز مغرب مکروه باشد بکراهت  
 تحریمی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشا  
 تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام اعظم تا صبح با کراهت  
 تحریمی و وقت وتر بعد از اذان عشا تا طلوع صبح  
 و تا خیر ظهر و اگر تا و تا خیر عشا تا ثلث شب و در روایتی  
 روز خواندن صبح بعدی که بقرات مسنون نماز را  
 کند و اگر نماز ظهر شود باز بقرات مسنون ادا

در هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع نشود و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب آن وقت عصر همان روز با کراهت تحریمی جائز است و دیگر نماز فرض و نقل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت مغرب است تا غروب شفق سرخ تر و اکثر علماء و نزد امام اعظم بر قولی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند لیکن بعد از بنوه ستارگان نماز مغرب مکروه باشد بکراهت تحریمی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشا تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام اعظم تا صبح با کراهت تحریمی و وقت وتر بعد از اذان عشا تا طلوع صبح و تا خیر ظهر و اگر تا و تا خیر عشا تا ثلث شب و در روایتی روز خواندن صبح بعدی که بقرات مسنون نماز را کند و اگر نماز ظهر شود باز بقرات مسنون ادا

در هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع نشود و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب آن وقت عصر همان روز با کراهت تحریمی جائز است و دیگر نماز فرض و نقل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت مغرب است تا غروب شفق سرخ تر و اکثر علماء و نزد امام اعظم بر قولی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند لیکن بعد از بنوه ستارگان نماز مغرب مکروه باشد بکراهت تحریمی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشا تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام اعظم تا صبح با کراهت تحریمی و وقت وتر بعد از اذان عشا تا طلوع صبح و تا خیر ظهر و اگر تا و تا خیر عشا تا ثلث شب و در روایتی روز خواندن صبح بعدی که بقرات مسنون نماز را کند و اگر نماز ظهر شود باز بقرات مسنون ادا





نماز فاسد گردد و وسوهای سوزن که فرو بسته باشند عضویت  
علیه اگر چهارم حصه آن برهنه شود نماز فاسد گردد مسئله  
در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است ابن جام گفته که  
برین تقدیر اگر زن بقراءت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر کس را بپای  
برای ستر عورت نباشد نماز او برهنه جائز است مسئله اگر جانب  
قبله معلوم نشود تحریری کرده موافق تحریر نماز گزارد  
و بدون تحریر نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبله تواند آورد بهتر  
که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز است  
نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض دو و تری  
نیت متصل تحریمه و دو استن آنکه نماز ظهر را خواهم یا عصر  
و نیت اقتدای بر مقتدی لازم است و نیت عدد رکعات شرط

در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است ابن جام گفته که  
برین تقدیر اگر زن بقراءت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر کس را بپای  
برای ستر عورت نباشد نماز او برهنه جائز است مسئله اگر جانب  
قبله معلوم نشود تحریری کرده موافق تحریر نماز گزارد  
و بدون تحریر نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبله تواند آورد بهتر  
که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز است  
نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض دو و تری  
نیت متصل تحریمه و دو استن آنکه نماز ظهر را خواهم یا عصر  
و نیت اقتدای بر مقتدی لازم است و نیت عدد رکعات شرط

نماز فاسد گردد و وسوهای سوزن که فرو بسته باشند عضویت  
علیه اگر چهارم حصه آن برهنه شود نماز فاسد گردد مسئله  
در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است ابن جام گفته که  
برین تقدیر اگر زن بقراءت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر کس را بپای  
برای ستر عورت نباشد نماز او برهنه جائز است مسئله اگر جانب  
قبله معلوم نشود تحریری کرده موافق تحریر نماز گزارد  
و بدون تحریر نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبله تواند آورد بهتر  
که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز است  
نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض دو و تری  
نیت متصل تحریمه و دو استن آنکه نماز ظهر را خواهم یا عصر  
و نیت اقتدای بر مقتدی لازم است و نیت عدد رکعات شرط





اگر رکوع کرد اولی و سجده نکرد و رکوع کرد در ثانی و سجده نکرد و سجده  
 کرد در ثالث و رکوع نکرد این همه یک گشت شد و قعده اولی  
 و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قعده اخیر فرض است  
 نزد احمد نه ترو غیر او بلکه ترو امام عظم واجب است و ترو خواندن  
 در قعده اخیر بعد تشهد فرض است و ترو شافعی و احمد و سلام  
 بهم فرض است رکعت است ترو ائمه شافعی و ترو امام عظم که ترو او  
 واجب است بکلیت خفض رافع و در رکوع سبحان بی کفایت یکبار  
 گفتن و در سجده سبحان ربی الا علی یکبار گفتن و وقت توبه  
 سمع الله لمن حمده گفتن و بین اسی تین رب اغفر لی گفتن  
 نزد احمد فرض است نه ترو غیر او لیکن اگر سهوا ترک کند نزد احمد  
 نماز باطل نشود و قرائت بر مقتدی فرض است ترو شافعی  
 ترو غیر او فرض نیست بلکه ترو امام عظم مقتدی اوقات حرات  
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله

اگر رکوع کرد اولی و سجده نکرد و رکوع کرد در ثانی و سجده نکرد و سجده  
 کرد در ثالث و رکوع نکرد این همه یک گشت شد و قعده اولی  
 و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قعده اخیر فرض است  
 نزد احمد نه ترو غیر او بلکه ترو امام عظم واجب است و ترو خواندن  
 در قعده اخیر بعد تشهد فرض است و ترو شافعی و احمد و سلام  
 بهم فرض است رکعت است ترو ائمه شافعی و ترو امام عظم که ترو او  
 واجب است بکلیت خفض رافع و در رکوع سبحان بی کفایت یکبار  
 گفتن و در سجده سبحان ربی الا علی یکبار گفتن و وقت توبه  
 سمع الله لمن حمده گفتن و بین اسی تین رب اغفر لی گفتن  
 نزد احمد فرض است نه ترو غیر او لیکن اگر سهوا ترک کند نزد احمد  
 نماز باطل نشود و قرائت بر مقتدی فرض است ترو شافعی  
 ترو غیر او فرض نیست بلکه ترو امام عظم مقتدی اوقات حرات  
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله

اگر رکوع کرد اولی و سجده نکرد و رکوع کرد در ثانی و سجده نکرد و سجده  
 کرد در ثالث و رکوع نکرد این همه یک گشت شد و قعده اولی  
 و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قعده اخیر فرض است  
 نزد احمد نه ترو غیر او بلکه ترو امام عظم واجب است و ترو خواندن  
 در قعده اخیر بعد تشهد فرض است و ترو شافعی و احمد و سلام  
 بهم فرض است رکعت است ترو ائمه شافعی و ترو امام عظم که ترو او  
 واجب است بکلیت خفض رافع و در رکوع سبحان بی کفایت یکبار  
 گفتن و در سجده سبحان ربی الا علی یکبار گفتن و وقت توبه  
 سمع الله لمن حمده گفتن و بین اسی تین رب اغفر لی گفتن  
 نزد احمد فرض است نه ترو غیر او لیکن اگر سهوا ترک کند نزد احمد  
 نماز باطل نشود و قرائت بر مقتدی فرض است ترو شافعی  
 ترو غیر او فرض نیست بلکه ترو امام عظم مقتدی اوقات حرات  
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله







با شما قتال بایکدو سحابة ناعت زنان تنانز و ابی حنیفه مکره  
 و نه ویکر ائمه جائزست مسئله اولی برای امامت قاری تراست  
 از احکام نماز و اوقات باشد ایستد عالم ترک قرآن یا بخوریه یا سلوة خواند  
 و نزد اکثر علماء یکسان آن امامست فاسق جائزست با کبریت و عهد  
 مرد قاری با بیع بگوید زن امی و اقدای می مقبره من متفضل جابر  
 نیست و اگر امی قاری امی را امامت کند نماز هر سه بطل شود و نماز  
 پس محدث جائز نیست و از نماز امام نماز مقتدری فاسد شود  
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف یتیم جائز است و نماز  
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر کسی  
 مقتدی باشد برابر امام بردست رست بپیتد و دو مقتدی می زیاد  
 خلف امام بپیتد و متما خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش  
 مکروه باشد و نزد احد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام  
 مقدم شود نمازش بطل شود این ماحیه از اناس روایت کرد

با ائمه قتال بایکدی و ستمت باعت زنان تنهار و ابی ضیفه مکرده  
 و زود و گرانده جائزست مسئله ای برای امامت قاری تراست  
 از احکام نماز و اوقات باشد ایست عالم ترک قرآن یا بخورنیه سلوة خواند  
 نزد اکثر علما بر عکس آن امامست فاسق جائزست باکریت و عهد  
 مرد قاری بالغ بگوید و زن امی و اقدای منقرضین متغلب بر  
 نیست و اگر امی قاری امی را امامت کند نماز هر سه بطل شود و نماز  
 پس محدث جائز نیست و از نماز امام نماز مقتدی فاسد شود  
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف یتیم جائز است و نماز  
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر کسی  
 مقتدی باشد برابر امام بر دست رست بایستد و دو مقتدی می زیاده  
 خلف امام بایستند و متما خلف صف اگر کسی نماز گزارد نمازش  
 مکرده باشد و نزد احد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام  
 مقدم شود نمازش باطل شود این ماحه از انش و ایت کرده















W

*(Handwritten Persian text, likely a signature or note at the bottom of the page.)*

و اگر امام باشد خلیفه گیر و وضو کند و داخل مقتدیان شود و مقتدی  
وضو کرده باز آید بکافی که از بخارفته بود و درین عرصه آنچه امام  
خوانده است اول آنرا بدون قرارت ادا کند و با امام شریک  
و اگر امام نماز فاسخ شده است مقتدی مختار است اگر خواهد بکافران  
اول باز آید و اگر خواهد بیجا نیکه وضو کرده همانجا نماز تمام کند و اگر  
عما حدث کند نماز فاسد شود و اگر در نماز مجنون شد یا احتلام کرد  
یا قهقهه کرد یا نجاست مانع نماز بروی افتاد یا زخمی بوی رسید  
یا بگمان حدث از مسجد برآمد یا خارج مسجد از حد صفوف برآمد  
یا بستر ظاهر شد که حدث نشده بود نماز فاسد شود و بنا جائز نباشد  
و اگر از مسجد یا صفوف خارج نشده بنا کند و اگر بعد تشهد حدث یافت  
شد وضو کند و سلام دهد و اگر بقصد بدعت تشهد حدث کرد و امام غلط  
نمازش تمام شد و اگر درین حالت تیمم کند بر آب یا بر شستن با اُمّی سورتی  
آموخت یا برهنه بر پا شده یا اشاره کننده بر رکوع و سجود قادر شد

برای تجدید اوقات خود وقت گرفته اند و این باشد تا تمام ایام که در آن است یک روز نماز را بجا نیاورند و گنجانند آنرا از خطبه ها و

[illegible]



تأخر و فاسد نشود و در صورتی که نماز فاسد نشود اگر زن و طفل  
را غیبه کرده باشد نماز اگر امام از قرائت بند شود او را غیبه  
گرفتن جائز است اگر بگوید بنده من سجد می‌کند و بنده من سجد می‌کند  
امام او را نماز در یاد هر جا که امام را در یاد در جهان رکن غسل شود  
و اگر رکوع یافت رکعت یافت و اگر رکعت نیافت پس هرگاه  
امام نماز خود تمام کند مستبوق بعد از فراغ امام آنچه فوت شده آن  
نموده و نماز سبوق در حق قرائت حکم اول نماز او در حق  
قبول حکم آن نماز اگر مصلی بعد از رکعت بفراموشی برآید  
رکعت ثالث برتقا و قعدۀ اولی نکرد پس تا که قریب قعود بنشیند  
و سجده سهو واجب نشود و اگر نزدیک قیامت است استاده شود و از باب  
نشستن نماز فاسد شود و سجده سهو کند و اگر بعد چهار رکعت برخیزد  
تا که رکعت پنجم را سجود کرده بنشیند و قعدۀ اخیر کرده سلام دهد و سجده  
سهو کند و اگر رکعت پنجم را سجده کرده فرض را باطل شد اگر خواه

[illegible]











نهادن و بسوی راست یا چپ رو آوردن اگر سینه از سوی قبله  
 برگردد و اگر برگردد نماز قضا شود و مکرر است اقصای یعنی بر سرین و  
 یا زانو بر داشته و دست بر زمین نهاده مثل سنگ نشستن هر دو  
 ذراع را در سجده بر زمین فرش کردن و جواب سلام بدست  
 کردن و چهار زانو بی غدر در فرض نشستن و پا رچه را بر  
 احتیاط خاک آلودگی چیدن و سدل ثوب یعنی پا رچه را  
 سر و دوش انداخته اطراف آنرا جمع نکند فرو گزارد و فاشه کرد  
 باید که فاشه را دفع کند و سرفه را تا مقدور دفع کند و تپلی یعنی بدن  
 را برای دفع ماندگی کشیدن و چشم پوشیده داشتن بلکه نظر  
 در سجده گاه دارد و مکرر است که سوی سر را بالای سر بچیده  
 گره داده نماز را در آن بلکه سنت است که اگر سوی سر  
 داشته باشد سوی فرو داشته باشد تا سوی هم سجده کنند و هم  
 مکرر است نماز بر پهنه سر گزاردن مگر بنا بر تذلل و انکسار و شمار کردن

کندنی بر سرین  
 مکرر است اگر در آن نشاند  
 سر اول فقط باید بود و چون  
 قیض است  
 کند در نماز باشد یا خارج  
 زیرا که در غیض است کفا  
 فی الدنیا و الدنیا فرزند  
 نشسته دست بر زمین گذارد  
 کندانی نماز را در سجده  
 حالت قیام در دست در  
 مالا بینه  
 بیان مکرر است  
 سید و خاک یا لایه  
 سدل قبل است  
 سدل قیام است  
 را در پیش  
 یا بپوش  
 کندانی قیض  
 مکرر است نماز را در آن  
 همه اعضا خود را بکند و عضوی که  
 پا در را از روی بدن ندارد  
 یا در دوش  
 و عاقل که  
 بر پهنه سر گزاردن کرده است  
 قیاض آن  
 اگر گاه و عذر از سر است  
 اعاده آن افضل است  
 اگر پیش از نماز چیدن و  
 علی که نماز است  
 کندانی اگر در آن  
 مکرر است  
 که عذر از سر گزاردن  
 در نماز بر پهنه سر گزاردن  
 کندانی یعنی در آن  
 کندانی یعنی در آن  
 کندانی یعنی در آن





[illegible]

مسئله اگر مرضی نماز نشسته میکرد یا رکوع و سجود در میان نماز  
تأدیر شد بر قیام ایستاده شده همان نماز را تمام کند و نیز دامام محمد  
نماز را از سر گیرد و اگر مرضی نماز با شاهر میکرد و در میان نماز رکوع  
و سجود تأدیر شد با اتفاق نماز از سر گیرد مسئله هر که بیوش شد  
یا دیوانه گشت یک شبانه روز نماز قضا کند و اگر زیاده از شبانه  
روز یک ساعت هم گذشت قضا واجب نشود و نیز محمد تا که  
نماز ششم را وقت در نیامده باشد قضا واجب شود  
فصل شخصی که از خانه خود بر آید و از عمارات شهر خارج شود  
به نیت سفر سه مرحله هر مرحله شانزده کرده و هر کرده چهار رکعت باشد  
آن شخص فرض چهار گانه را دو گانه گزارد و اگر چهار رکعت کرد پس  
اگر بدو رکعت قده کرد نماز او شود و دو رکعت فرض و دو رکعت نفل  
شود و بسبب آمیزش نفل با فرض بزه کار باشد و اگر سهواً آمیزد  
بسبب تاخیر سلام سجده سهو کند و اگر بدو رکعت نشسته است فضا باشد

[illegible]

کرم کس در اول فصل کند و در ثانی که کند از انی الودا الثانی  
مکمل اگر نیست خنجر می گیرند و نه زدن است سحر کار شده بود که قصه می روید طبعی از مجرب و قصه خود را تمام خواند از این پیش از آن مختصراً

[illegible]



[illegible]

دو گانه گزارد ستم در سفر معصیت زو ائمه شلثه قصر روان باشد و  
 نزد امام عظم روست افطار روزه و حبسیت قصر نماز ستم  
 نیت اقامت و سفر نیت متبوع معتبرست یعنی امیر و سید و شوهر  
 نیت تابع یعنی لشکری و عابد و زوجه فصل در نماز جمعه هر که  
 صحت ادای جمعه و سقوط ظاهر از مضای جمعه شش خیر شرط است  
 یک مصر یعنی شهر که در آن حاکم و قاضی باشد یا  
 نواح مصر که برای حوائج اهل مصر مهیا باشد پس در دهات  
 نزد امام عظم جمعه جائز نیست و نزد شافعی و اکثر ائمه در روستا  
 جمعه جائزست و در نواح مصر جائز نیست و دوم حضور یا شهادت  
 یا نائب و این نزد اکثر ائمه شرط نیست سوم وقت ظهر چهارم  
 خطبه ستم نزد ابی حنیفه خطبه مقدار یک ساعه کفایت میکند  
 و نزد صاحبین سه رض آنست که ذکر طول باشد و در خطبه  
 خواندن مشتمل بر حمد و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت

[illegible][illegible]

میرزا حسن خان قزوینی  
میرزا حسن خان قزوینی  
میرزا حسن خان قزوینی  
میرزا حسن خان قزوینی  
میرزا حسن خان قزوینی





01

در عصر نماز جمعه گزارند و در آنجا تقسیم کسی نباشد و امام اعظم جمعه صحیح  
 باشد و نزد شافعی و احمد تا که هر کس هر تقسیم صحیح نباشد جمعه روا نباشد  
 مسلم غیر مغرور اگر پیش از جمعه ظهر گزارد ظهر او اشود و اگر است  
 تحریم است اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه هنوز فایع نشده بود  
 ظهر باطل شد پس اگر جمعه ایافت بهتر و الا ظهر باز گزارد و نزد  
 صاحبین ح اگر جمعه او دنیا بد ظهر باطل نشود مسلم غیر  
 و مسجدی از روز جمعه نماز ظهر بجا بعت گزاردن مکروه است مسلم غیر  
 امام از جمعه در تشهد یا در سجود سهو رفت و غسل نماز شد بعد  
 سلام امام دو رکعت جمعه تمام کند و نزد محمد اگر از رکعت ثانیه رکوع  
 نیافته است چهار رکعت ظهر بر همان تحریمه تمام کند مسلم غیر  
 جمعه اذان اشل گفته شود سعی واجب گردد و بیع حرام شود و چون  
 امام بر آید برای خطبه سخن گفتن و نماز گزاردن ممنوع باشد تا که از خطبه  
 فارغ شود و چون امام بر بنبر بشیند اذان دوم رو برد

[illegible]





و با هر تکبیر هر دو دست بردارد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع  
 در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجدۀ سهوا لازم گردد و نماز  
 عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضای نیست و اگر بعد از نماز  
 عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم او اکنند نه بعد از آن  
 و عید الاضحی را تا خیر تا دو از دهم جائز است ستمه عید الاضحی  
 مثل عید الفطر است مگر آنکه استحباب است که بعد نماز از اضحیه خود  
 بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید  
 جائز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگرفته باشد  
 ستمه تکبیرات تشریق بعد هر نماز فرض که جماعت گزارده شود  
 بر مقیم بصر و حباب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید نزد امام ام  
 و تا عصر تاریخ سیر و هم نزد صاحبین و فتوی بر آنست و اگر زن  
 یا مسافر اقتدا بقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار  
 بآواز بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر

و بعد از این تکبیر هر دو دست بردارد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع  
 در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجدۀ سهوا لازم گردد و نماز  
 عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضای نیست و اگر بعد از نماز  
 عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم او اکنند نه بعد از آن  
 و عید الاضحی را تا خیر تا دو از دهم جائز است ستمه عید الاضحی  
 مثل عید الفطر است مگر آنکه استحباب است که بعد نماز از اضحیه خود  
 بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید  
 جائز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگرفته باشد  
 ستمه تکبیرات تشریق بعد هر نماز فرض که جماعت گزارده شود  
 بر مقیم بصر و حباب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید نزد امام ام  
 و تا عصر تاریخ سیر و هم نزد صاحبین و فتوی بر آنست و اگر زن  
 یا مسافر اقتدا بقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار  
 بآواز بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر

و بعد از این تکبیر هر دو دست بردارد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع  
 در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجدۀ سهوا لازم گردد و نماز  
 عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضای نیست و اگر بعد از نماز  
 عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم او اکنند نه بعد از آن  
 و عید الاضحی را تا خیر تا دو از دهم جائز است ستمه عید الاضحی  
 مثل عید الفطر است مگر آنکه استحباب است که بعد نماز از اضحیه خود  
 بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید  
 جائز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگرفته باشد  
 ستمه تکبیرات تشریق بعد هر نماز فرض که جماعت گزارده شود  
 بر مقیم بصر و حباب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید نزد امام ام  
 و تا عصر تاریخ سیر و هم نزد صاحبین و فتوی بر آنست و اگر زن  
 یا مسافر اقتدا بقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار  
 بآواز بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر









و بعد زوال پیش از ظهر چهار رکعت نفل مروی گشته و هرگاه وضو  
جدید کند تحیت الوضوء دو گانه سنت است و هرگاه در مسجد در آید و  
رکعت تحیت لمسی بدست است و بعد عصر تا مغرب در دو رکعت <sup>لکافی</sup> <sup>المعتمد</sup> کند  
مشغول ماندن سنت است <sup>مکمل</sup> جماعت در نفل مکروه است  
مگر در رمضان سنت است که میت رکعت بدو سلام بگذارد و  
با جماعت در هر رکعت ده آیت خواند تا در تمام رمضان ختم قرآن  
شود و از کسل قوم ازین کم نکند و اگر قوم را غلبه بخشد در تمام  
رمضان دو ختم یا سه ختم یا چهار ختم کند و بعد هر چهار رکعت  
بمقدار آن چهار رکعت جلوس کند و بنده که مشغول شد و این اثر را  
گویند و بعد از اوج و تر جماعت گزارد و سوا از رمضان و تر  
جماعت مکروه است نماز استخاره اگر کاری پیش آید سنت  
که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد دو گانه  
حمد خدا و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا بخواند

و بعد زوال پیش از ظهر چهار رکعت نفل مروی گشته و هرگاه وضو  
 نمیکند تسبیح الوضوء دو گانه سنت است و هرگاه در مسجد در آید و  
 رکعت تسبیح المسجد سنت است و بعد عصر تا مغرب در دو رکعت  
 مشغول ماندن سنت است بلکه جماعت و نفل مکروه است  
 مگر در رمضان سنت است که میت رکعت بدیهه سلام بگذارد  
 با جماعت در هر رکعت ده آیت خواند تا در تمام رمضان ختم قرآن  
 شود و اگر کسی قوم ازین کم نکند و اگر قوم را غلبه چند و تمام  
 رمضان دو ختم یا سه ختم یا چهار ختم کند و بعد هر چهار رکعت  
 بمقدار آن چهار رکعت جلوس کند و بنده که مشغول شد و این اتراف  
 گویند و بعد تراویح و ترجماعت گزارد و سوا رمضان و تر  
 جماعت مکروه است نماز استخاره اگر کاری پیش آید سنت  
 که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد دو گانه  
 حمد خدا و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا بخواند

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

هفتاد و سه روز و هرگاه وضو  
 در مسجد و در آید و  
 در روزگار آید  
 در نفل مکروه است  
 سلام بگزارد  
 تمام رمضان ختم  
 شب پند و تمام  
 بعد از چهار رکعت  
 اول شد و این اثر او  
 در رمضان و تر  
 در پیش آید نیست  
 و بعد از دو گانه  
 و این دعا بخواند

کعت نفل مروی است  
سنت است و هرگاه  
و بعد عصر تا بغروب  
ست که جماعت  
که بیت رکعت بد  
هر شب بعد از شام  
آیت خواند تا دو  
مکنند و اگر قوم را خ  
یا چهار ختم کند و  
بلکیند و نه که شغ  
عت گزار دو سوا  
از استخاره اگر کار  
دو گانه نفل گزارد و  
اند علیّه و آله و سلم

[illegible]

۶۵  
۹  
و بعد از  
میدید کنند  
که است  
مشغول  
مگردند  
باجاء  
شود و  
رضا  
بقدر  
گویند  
بجاء  
که است  
صاف

سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِکُلِّ شَیْءٍ  
 مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیْمِ فَانْکَ تَقْدِرُ الْاَوَّلَ وَتَعْلَمُ  
 وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنْ  
 نِزَالِ الْاٰخِرِیْنَ فِیْ دِیْنِیْ وَدُنْیَایَ وَعَاقِبَتِیْ اَمْرِیْ  
 فَتَدْرِهِ وَیَسِّرْهُ لَیْ فَاَنْتَ بَارِکٌ لَیْ فِیْهِ وَانْ  
 کُنْتَ تَعْلَمُ اَنْهَ شَرُّ لَیْ فَاَنْتَ دُوْنِیْ وَدُنْیَایَ  
 وَعَاقِبَتِیْ اَمْرِیْ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَاصْرِفْ  
 عَنْهُ وَاَنْتَ دَرُّ لَیْ اَنْجِیْهِ حِیْثَ کَانَ  
 ثُمَّ رَتِّبْهُ بِمَنْزِلِیْ تَوْبَةٍ اِذَا مَعْصِیْتِیْ سَرَزِنْدَ  
 بَایْدَ کَ زُوْدُ وَضُوْکُیْ وَوُکَانَ نَازِکُ زَارُ وُوْا  
 کُنْ وَاِذَا نَ تَوْبَتُیْ بِرَبِّیْ کُنْ شَمْتِیْ نَدَامَتُیْ کُنْ  
 وَاَیْنِدَ عَزْمُیْ بِکُنْ کَ بَازِیْ مَرْتَبُیْ اَنْ نَ شُوْمُیْ  
 حَاجَتُیْ اِذَا رَاحَتِیْ بِشِیْءٍ اَیْدُ وَضُوْکُیْ وَوُکَانَ نَ

سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من  
 سلام تو ای خداوند عالم ای پروردگار من

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِکُلِّ شَیْءٍ  
 مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیْمِ فَانْکَ تَقْدِرُ الْاَوَّلَ وَتَعْلَمُ  
 وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنْ  
 نِزَالِ الْاٰخِرِیْنَ فِیْ دِیْنِیْ وَدُنْیَایَ وَعَاقِبَتِیْ اَمْرِیْ



ده بار و بعد سجده دوم نشسته ده بار پس در هر رکعت هفت  
 پنج بار و در چهار رکعت سه صد بار بخواند اگر رکعت دوم  
 داشته باشد این نماز هر روز خوانده باشد و اگر نه در هفته  
 یک بار و الا در ماهی یک بار و الا در سالی یک بار و  
 الا در تمام عمر یک بار و بهتر آنست که در چهار رکعت از  
 مسجید چهار سوره خواند و مسجید هفت سوره است سوره  
 بنی اسرائیل و حدید و قشعر و صف و جمعه و تغابن و اعلیٰ نماز کسوف  
 چون آفتاب کسوف کند سنت است که امام جمعه دو رکعت  
 نماز گزارد و در هر رکعت یک کسوف کند مثل دیگر نمازها و تواتر  
 بسیار در آن خوانده و آهسته و تدریجاً صاحبین جمعه  
 بقرابت کند و بعد از آن بزرگتر مشغول باشد تا که آفتاب روشن  
 شود و اگر جماعت نباشد تنها خواند دو گانه یا چهار گانه همچنین  
 در خسوف ماه و ظلمت شدت باد و وزلزله و مانند آن

و درین زمانه در مغنیه الک  
 فی الجواهر و در ذریعۃ  
 الخصال و فی المصنفات  
 و درین زمانه در ذریعۃ  
 الخصال و فی المصنفات  
 و درین زمانه در ذریعۃ  
 الخصال و فی المصنفات

طلب باران برای استقاکاهی رسول الله صلی الله علیه وسلم  
فقط دعا فرموده و گاهی در خطبه جمعه دعا کرده و عمر رضی الله عنه  
برای استقار آمد و استغفار نمود و پس و لهذا نزد امامان  
در استقانا سنت موکده نیست بلکه گفته که استقانا دعا و استغفار  
است و اگر نماز گزار تنها باشد جائز است لیکن از نبی صلی الله  
علیه وسلم بروایت صحیح در استقانا جماعت ثابت شده  
و لهذا ابی یوسف و محمد و اکثر علما گفته اند که امام همراه جماعت  
مسئومین بصلی بر آید و گفتار همراه نباشد و امام با جماعت  
در گانه نماز گزار دو قرائت بجهت خواند و بعد نماز مثل عید و  
خطبه خواند و استغفار کند و دعائی استقبا با و عینه ما توره بخواند  
اللهم استقنا غيثا ثم يامرنا بما نغیر ضار عابلا غیر خاسر  
رائث ممتع الثبات اللهم اسق عبادک و بهائمک  
و انزل رحمتک و اخی بک المیت و نحو ذلک

[illegible]

۴  
 اهل النار علیها لعنة الله المذنبون  
 لعنة الله علی الذین یخرجون  
 ما کان یاربهم الا ان الله  
 رب العالمین لا اله الا الله  
 کلما تروا حرم ولستم الا حرم  
 فظلمت حقنا بین یحیی  
 است کذا فی المسلمان ودر  
 واکبر یک خطبه خواندم مجاز  
 علی قوراد خطبه خواند  
 است دعا را در ۱۱ خطی کرد  
 علیه و دعای جامع الورد و سوره  
 صلوات الله علی ما در خطبه  
 صلوات علی عیسی خوانده است  
 قوراد را

و اما چاره خود گردانند قوم ستمه نفل شروع واجب شود  
 و اگر فاسد کند دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر  
 نیت چهار گانه کرده بود و پیش از قعدہ اولی فاسد کرده  
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه چهار  
 رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت قرائت ترک کند  
 یا در یک رکعت از شفعه ثانیه قرائت کند و پس و  
 اگر قرائت کرد و در رکعت اولین فقط یاد و در رکعت  
 فقط یا ترک کرد و قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک  
 رکعت از آخرین درین چهار صورت با اتفاق دو گانه قضا  
 کند و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن  
 یا در یکی از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد  
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدہ  
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیخین باطل نه شود

و اما چاره خود گردانند قوم ستمه نفل شروع واجب شود  
 و اگر فاسد کند دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر  
 نیت چهار گانه کرده بود و پیش از قعدہ اولی فاسد کرده  
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه چهار  
 رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت قرائت ترک کند  
 یا در یک رکعت از شفعه ثانیه قرائت کند و پس و  
 اگر قرائت کرد و در رکعت اولین فقط یاد و در رکعت  
 فقط یا ترک کرد و قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک  
 رکعت از آخرین درین چهار صورت با اتفاق دو گانه قضا  
 کند و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن  
 یا در یکی از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد  
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدہ  
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیخین باطل نه شود

و اما چاره خود گردانند قوم ستمه نفل شروع واجب شود  
 و اگر فاسد کند دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر  
 نیت چهار گانه کرده بود و پیش از قعدہ اولی فاسد کرده  
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه چهار  
 رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت قرائت ترک کند  
 یا در یک رکعت از شفعه ثانیه قرائت کند و پس و  
 اگر قرائت کرد و در رکعت اولین فقط یاد و در رکعت  
 فقط یا ترک کرد و قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک  
 رکعت از آخرین درین چهار صورت با اتفاق دو گانه قضا  
 کند و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن  
 یا در یکی از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد  
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدہ  
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیخین باطل نه شود





غلام سابق الذکر است  
 دیکه از آن هم در وقت  
 کند تقاضا من سلفه شود  
 نزد امام عظیم رو افتد  
 و نزد صاحبین خود  
 در پیش روی یک خود  
 و هر یک بیت حاکم  
 کند ابو یوسف و ترمذی  
 گفت من قول امام

را سابق قول خود گفت  
 کرده ام و این اختلاف  
 در صورتیست که غلام سابق  
 را بعد از آنکه باشد و یکبار  
 در پیش وقتش غلام کند امام  
 و بعد از آنکه درین مسئله  
 نیز اختلاف نقل کرده باشند  
 بلکه شخصی یک پسر غلام  
 را که از آنست و غلام خود  
 دوستی که که مراد است  
 آزاد کرده بود و در دست  
 عدوی قرار داده بود  
 فاعده حکمیت

تقاضا که چنین نقل  
 کرده ام و در غرضی است از من  
 ثقل امام محمد رحمه الله الصیقل کرده اند سبب توافق  
 دلیل امام عظیم رحمه الله درین مسئله دوم آنکه سبب خلافت  
 اگر بعد طبع آن کتاب مذکور کرده باشد تا خروج وقت علم غلام  
 گزار داشت و دست امام ابو یوسف رحمه الله فرموده من  
 گویا بدون غلامش تا دخول وقت علم روایت کرده ام  
 سوم آنکه اگر کسی از غاصب غلام را خرید کرده آزاد  
 کند و بعد از مالک غلام مشتری را اجازت دهد حق  
 نافذ شود و امام ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را  
 را روایت کرده ام چه مردم آنکه بیخ صاحب مالک جواز  
 نیست ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را  
 روایت کرده ام لیکن فرج تا وضع علی تقابست کند  
 بخرم آنکه اگر غلام بیان و کس را بگوید  
 باشد و مولای آن بود

فاعده حکمیت  
 تقاضا که چنین نقل  
 از من است و در غرضی است از من  
 منقول شده روایت امام ابو یوسف رحمه الله است از من روایت  
 است اما خود امام ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را  
 آنکه کرده اند و تفصیلش آنکه چون امام محمد رحمه الله با جازت امام  
 ابو یوسف رحمه الله در حدیث روایت جامع صغیر پیر چرخ شد و  
 طایفه سنیست و در حدیث امام ابو یوسف رحمه الله امام ابو یوسف رحمه الله  
 در حدیث انصوران با ساندند امام محمد رحمه الله در حدیث و جازت  
 روایتان عرض کردند و بعد از این حدیث فاعده حکمیت  
 است که از حدیث مسلم بن الحجاج نقل کرده ام ابو یوسف رحمه الله  
 امام محمد رحمه الله فرموده من جواز را ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را  
 ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را  
 ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را  
 ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را ابو یوسف رحمه الله فرموده من جواز را

و این روایت است که  
 که غلام کوکوبی  
 است امامت که  
 می بکنند نقل  
 بنده آنکه این  
 انصراف نقل  
 تا جملات شرح  
 انصراف نقل  
 و انصراف نقل

۱۹۰۲ قریب سید محمد علی خان صاحب نے دہلی کے ایک مدرسہ میں تدریس کے واسطے ایک سال تک رہا۔ اس دوران میں وہ ایک صاحبزادے کے ساتھ ملائے ہوئے تھے۔ یہ صاحبزادہ ایک صاحبزادے کے ساتھ ملائے ہوئے تھے۔ یہ صاحبزادہ ایک صاحبزادے کے ساتھ ملائے ہوئے تھے۔

[illegible]

*(Handwritten notes in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page.)*





74.135

[illegible]

همراه داشتن تحب است و در وقت غلبه طین بموت و حبس حدیث است که هر که هر روز بخت مرتبه بموت ایا کند و روضه شهادت یابد مسئله چون ما مشرف برگ شود تلقین شهادتین کرده شود و سوره یسین بر شتر خوانده شود و چون بمیرد دهن چشم او پوشیده شود و در دفن او شتابی کرده شود مسئله چون غسل داده شود و تحفه را بخود و سوزنه یا شتر بپوشد و مرده را برهنه کرده عورت او پوشیده بر رویار و نجاست حقیقی پاک کرده بی آنکه آب در دهن و بینی او کرده شود و وضو کنانیده بآبیکه در آن اندکی برگ کناریا مانند آن جوش داده باشد غسل داده شود و موسیقیش و کوسه و اورب و گل خیر و مانند آن بشوید اول بر پهلوی چپ غلطانیده پستر بر پهلوی راست غلطانیده بشوید تا که آب وان شود و تکیه داده شکم او را آهسته بمالد اگر چیزی بر آید پاک کند و عاده غسل ضرورت پستر از پارچه پشک کرده خوشبو بر سرش و کافور بر اعضای سجده او بمالد و کفن پو

[illegible]

مرور اسه پارچه سنوت بقول ابی حنیفه ج کی کفنی تا نصف ساق  
 و دو چادر از ستر قدیم و در حدیث صحیح آمده که نبی صلعم را در سه چادر  
 کفن داده شد قمیص و ران نبود و دستار بستن بدعت است  
 اگر سه پارچه پیشتر نشو و پارچه کفایت است و حمزه رضی الله عنه  
 را در یک چادر دفن کرده شد که اگر سرمی پوشید یا برهنه می شد  
 و اگر پاپوشید از جانب سر کوتاهی میکرد آخر حکم آن سرور  
 علیه السلام بجانب سر کشیدند و بر پا گاه انداختند وزن را دو پارچه  
 زیاده داده شود یکی دهنی که موی سر بدان پیچیده بر سینه نبندد یکی  
 سینه بدار بغل تا زانو و اگر میسر نشود سه پارچه کفایت او عند  
 هر چه بهم رسد ستمه و ده سلمان غسل و کفن او در نماز جنازه  
 خواندن و دفن کردن فرض کفایت است و بدون غسل و کفن  
 نماز جنازه صحیح نیست ستمه برای امامت نماز جنازه پاوه  
 اولی است پستر قاضی پس ترا امام محمد پستر و الی تیت

کفنی تا نصف ساق  
 بقول ابی حنیفه ج کی کفنی تا نصف ساق  
 و دو چادر از ستر قدیم و در حدیث صحیح آمده که نبی صلعم را در سه چادر  
 کفن داده شد قمیص و ران نبود و دستار بستن بدعت است  
 اگر سه پارچه پیشتر نشو و پارچه کفایت است و حمزه رضی الله عنه  
 را در یک چادر دفن کرده شد که اگر سرمی پوشید یا برهنه می شد  
 و اگر پاپوشید از جانب سر کوتاهی میکرد آخر حکم آن سرور  
 علیه السلام بجانب سر کشیدند و بر پا گاه انداختند وزن را دو پارچه  
 زیاده داده شود یکی دهنی که موی سر بدان پیچیده بر سینه نبندد یکی  
 سینه بدار بغل تا زانو و اگر میسر نشود سه پارچه کفایت او عند  
 هر چه بهم رسد ستمه و ده سلمان غسل و کفن او در نماز جنازه  
 خواندن و دفن کردن فرض کفایت است و بدون غسل و کفن  
 نماز جنازه صحیح نیست ستمه برای امامت نماز جنازه پاوه  
 اولی است پستر قاضی پس ترا امام محمد پستر و الی تیت

اقرّب پس اقرّب لیکن پدریت برای امامت از پدرش اولیست  
مسئله نماز جنازه چهار تکبیر است بعد تکبیر اولی سبحانک اللهم  
تا آخر خواندن نزد امام اعظم هم سوره فاتحه خواندن و نماز جنازه  
مشرع نیست و اکثر علما بر آنند که فاتحه هم بخواند و بعد تکبیر  
دوم درود بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم بخواند و بعد سوم بر  
سیت و جمیع مسلمانان دعا خواند اللهم اغفر محبنا و میثنا  
الی آخره و بر جنازه طفل بخواند اللهم اجعله لنا فرحاً اللهم  
اجعله لنا اجرا و ذخراً اللهم اجعله لنا شافعاً و شفیعاً و بعد  
تکبیر چهارم سلام گوید مسئله هر که بعد تکبیر امام حاضر شود  
هرگاه امام تکبیر دیگر گوید همراه او تکبیر گرفته و داخل نماز  
شود و بعد سلام امام تکبیرات اول که فوت شده قضا کند  
و نزد ابی یوسف انتظار تکبیر دیگر امام ضرور نیست مانند کسیکه  
وقت تحریمه امام حاضر باشد و همراه امام تکبیر تحریمه نگفت و نماز جنازه

[illegible]

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page, likely bleed-through from the reverse side.]*



[illegible]



یا بیع یا شرا یا وصیت کردن متفق نشده و نمازی بعد از حجتی شدن  
 بروی فرض نشده آن کس شهید است اورا غسل نباید داد و در  
 پارچه بدنش باید کرد لیکن بگو نماز باید خواند و اگر این شروط  
 نیافته شد و ظلماً کشته شد اگر چه ثواب شهادت یا بدلیکن غسل و  
 کفن داده شود و نماز خوانده شود و اگر در حد یا قصاص کشته شد  
 شهید نیست غسل داده شود و بروی نماز خوانده شود و اگر قاطع طریق  
 یا باغی کشته شد غسل داده شود و نماز بروی بخوانده شود فصل در  
 ماتم گزینی را شوهر فوت شود بروی ماتم کردن تا چهار ماه و ده  
 روز ایام عدت و حبست زینت نکند و پوشیدن پارچه معصفر  
 و پارچه عفرانی و استعمال خوشبو و روغن و سرمه و حنا  
 ترک کند مگر بعد از از خانه شوهر بپاید مگر روزانه بپاید  
 ضرورت و شبانه همانجا باشد مگر در صورتیکه بجز از خانه بیرون  
 کرده شود یا خانه منصف هم شود یا خوف کند بر نفس

فصل در غسل دادن  
 غسل داده شود  
 همچنین است در  
 نعلی و صلب و رموز  
 و شمشیر و قیام  
 و دیگر در روز قتل  
 گشته که ایشان را  
 غسل داده شود  
 و نماز بر ایشان  
 گزارده نشود  
 اما بپوشیدن  
 بپوشیدن  
 از زادن طفل پاک  
 و طاهر از زدن و دلداری  
 خوانده شود و اگر بعد از زدن جنگ  
 در فشار کشته شود و خوانده شود  
 یعنی صغیرة السن و عیون نباشد  
 اگر در عدت باشد یا پوش  
 تمام واجب شود و اگر کفانی در اختیار  
 از زینت مردمان و از ثواب حیات را  
 یکبار تا سه روز و سه وقت بعد از آن  
 بپایرد و دم کرده و تار و ریز

و اگر در روز قتل  
 و اگر در روز قتل  
 و اگر در روز قتل  
 و اگر در روز قتل

و اگر در روز قتل  
 و اگر در روز قتل  
 و اگر در روز قتل  
 و اگر در روز قتل













در هر سال یک بار زکوة را بپردازد  
 اگر در هر سال یک بار زکوة را بپردازد  
 اگر در هر سال یک بار زکوة را بپردازد  
 اگر در هر سال یک بار زکوة را بپردازد

حصه آن ساقط شد مسئله اگر اول سال آخر سال نصاب کامل بود  
 و در میان سال ناقص شود زکوة تمام سال واجب شود و نقصان  
 میانه قبل نیست مسئله آن می که در آن کوة واجب و سهم  
 یکی نقد یعنی زر و سیم خواه سکه بود یا چوپان یا دیو یا طوطی طلا و  
 نقره نصاب در بیت شقال است که هفت و نیم توله باشد  
 و نصاب سیم دو صد درم است که پنجاه و شش روپیه سکه و بی  
 وزن آن میشود و مقدار زکوة واجب از هر جنس چه کم حصه  
 و اگر کم از نصاب نباشد و همچنین سیم نرد امام غظم رحمه الله  
 هر دو را باعتبار قیمت یک جنس کرده نصاب اعتبار کرده  
 و نسبت فقیر مرغی داشته شود و نرد صاحبین باعتبار اجزای  
 نصاب کامل کرده می شود پس اگر صد درم سیم و ده شقال نرد  
 باقی زکوة واجب شود و اگر صد درم سیم و پنج شقال نرد  
 قیمت پنج شقال زر برابر صد درم است زکوة نرد امام غظم

باید زکوة

در هر سال یک بار زکوة را بپردازد  
 اگر در هر سال یک بار زکوة را بپردازد  
 اگر در هر سال یک بار زکوة را بپردازد  
 اگر در هر سال یک بار زکوة را بپردازد









باید در غایبی است  
 که اگر گفته باشد در کس  
 مردن من آنرا دوستی نام  
 و در کتب است که از سولی فرزند  
 نیز واجب است و از بعد از آن  
 و اگر داده شده نیز واجب است  
 بالغ خود و اگر از طرف پنهان  
 نداده و نمایان بجا بدارد  
 درست اما از جانب کسی که در  
 غیبت آن نباشد بدون اجازت  
 باز نیست که آنرا از عالم بگیرد  
 مالا بدین صدقه فطر  
 صدقه فطر واجب است  
 انچه در حج آنست  
 که صدقه فطر است  
 به نسبت از سال داده  
 به سبب حاجی یا پیری و نحو  
 داشت صدقه فطر در  
 عالمگیری ۵۵ دون  
 نقد و نقاب و بیست  
 قاضی خان

نصاب باشد و آن نصاب فاضل باشد از دیون و حوائج  
 اصلیه و نامی بودن نصاب شرط نیست و بر مالک این چنین رضا  
 گرفتن صدقه حرام است صدقه فطر از نفس خود دهد و از فرزندان  
 صغیر خود اگر مالک نصاب نباشند و اگر باشند از مال آنها  
 داده شود و از بندگان خدستی خود و بدیده از بندگان  
 تجارتی اگر چه بنده مدبر یا ام ولد باشد نه از زوجه خود و  
 فرزندان بالغ خود و مکاتب خود و نه از بنده گسخته مگر  
 بعد باز آمدن و اگر یک بنده یا چند بنده در چند کس مشتک  
 باشند نزد امام عظم رحمه الله صدقه فطر آن بنده بر کس  
 واجب نشود بلکه صدقه فطر واجب میشود به طلوع فجر  
 روز عید پس یکم پیش از صبح عید بر او یا بعد صبح زاید شده  
 و یا اسلام آورد و صدقه آن واجب نشود و پیش از عید  
 هم ادای صدقه فطر جائز است لیکن منون نیست که

نصف کس که از سولی فرزند  
 مردن من آنرا دوستی نام  
 و در کتب است که از سولی فرزند  
 نیز واجب است و از بعد از آن  
 و اگر داده شده نیز واجب است  
 بالغ خود و اگر از طرف پنهان  
 نداده و نمایان بجا بدارد  
 درست اما از جانب کسی که در  
 غیبت آن نباشد بدون اجازت  
 باز نیست که آنرا از عالم بگیرد  
 مالا بدین صدقه فطر  
 صدقه فطر واجب است  
 انچه در حج آنست  
 که صدقه فطر است  
 به نسبت از سال داده  
 به سبب حاجی یا پیری و نحو  
 داشت صدقه فطر در  
 عالمگیری ۵۵ دون  
 نقد و نقاب و بیست  
 قاضی خان





اینست که می گویند که در روز قیامت  
 هر کس که در دنیا با کسی دشمنی کرده باشد  
 و در روز قیامت با او روبرو شود  
 و او را بگوید که ای دشمن من  
 چرا مرا دشمنی کردی  
 و او بگوید که ای دوست من  
 چرا مرا دوستی نکردی  
 و در روز قیامت  
 هر کس که در دنیا با کسی دوستی کرده باشد  
 و در روز قیامت با او روبرو شود  
 و او را بگوید که ای دوست من  
 چرا مرا دوستی نکردی  
 و او بگوید که ای دشمن من  
 چرا مرا دشمنی نکردی

یکساله بشکلی بازواج مطهرات میدادند و دیگر برای نفس خود  
 هیچ ذخیره نمیکردند هر چه میدادند در راه خدا میدادند و فرمودند  
 انفق یا بلال ولا تحش من ذی العرش اقلالا یعنی  
 خرج کن آنچه داری ای بلال و از مالک عرش اندیشه  
 فقر مدار و مال را ببوده خرج کن که مباد راحق تعالی برادر  
 شیطان گفته جسج بیوده آنست که در آن ثواب باشد  
 و نه منفعتی در دنیا و خط آنفسن یاده از حق نفس متعینیت  
 مسئله اول از صدقه نافله به بنی هاشم بده که زکوٰه بر آنها  
 حرام است و بتواضع و احترام نظر بر قربت رسول الله صلعم بکنند  
 مسئله صدقه نافله دومی ادا کردن جائز است نه حرام مسئله  
 ضیافت مهمان تا سه روز سنت موهک است و بعد از آن ب

### کتاب الصوم

یکی از ارکان اسلام و زده مبارک میضات و آن فرست

اینست که می گویند که در روز قیامت  
 هر کس که در دنیا با کسی دشمنی کرده باشد  
 و در روز قیامت با او روبرو شود  
 و او را بگوید که ای دشمن من  
 چرا مرا دشمنی کردی  
 و او بگوید که ای دوست من  
 چرا مرا دوستی نکردی  
 و در روز قیامت  
 هر کس که در دنیا با کسی دوستی کرده باشد  
 و در روز قیامت با او روبرو شود  
 و او را بگوید که ای دوست من  
 چرا مرا دوستی نکردی  
 و او بگوید که ای دشمن من  
 چرا مرا دشمنی نکردی

اینست که می گویند که در روز قیامت  
 هر کس که در دنیا با کسی دشمنی کرده باشد  
 و در روز قیامت با او روبرو شود  
 و او را بگوید که ای دشمن من  
 چرا مرا دشمنی کردی  
 و او بگوید که ای دوست من  
 چرا مرا دوستی نکردی  
 و در روز قیامت  
 هر کس که در دنیا با کسی دوستی کرده باشد  
 و در روز قیامت با او روبرو شود  
 و او را بگوید که ای دوست من  
 چرا مرا دوستی نکردی  
 و او بگوید که ای دشمن من  
 چرا مرا دشمنی نکردی



99

۹۶  
کندانی عالمگیریت  
فوتودیت میت جازووب و  
سلازوفه میت جازووب  
عبداللہ الخروب جازووب  
کندانی عالمگیریت  
فوتودیت میت جازووب و  
نزدیکین و نقل برزخ و داروز  
خاص و بزرگ سلطان و داروز  
القاب جامع البیرون

هم تعیین نیت فرض وقت ضرورت و نذر معین نزد امام عظم  
چنانچه بنیت نذر ادا شود هم مطلق نیت ادا شود و هم بنیت نفل  
و اگر نیت واجب آخر کرده واجب آخر ادا شود و نذر اکثر ائمه نذر  
معین بدون تعیین نیت نذر ادا نشود و نفل بنیت مطلق ادا  
شود با اتفاق چنانچه بنیت نفل و نذر غیر معین و قضا و کفاره  
با اتفاق تعیین نیت شرط است مثلاً وقت نیت وزه  
از غروب آفتاب است تا طلوع صبح و بعد طلوع صبح نیت روا  
نباشد مگر در روزه نفل تا پیش از روال نزد شافعی رح و احمد رح  
و نزد مالک بعد طلوع صبح نیت نفل هم درست نیست نزد امام عظم  
نیت روزه رمضان و نذر معین و نفل تا پیش از روال صحیح است  
و نیت قضا و کفارت و نذر غیر معین بعد طلوع صبح با اتفاق  
جائز نیست و نذر ائمه شش هری روزه رمضان را هر شب  
نیت علیّه علیّه شرط است و نذر مالک رح برای تمام رمضان

[illegible][illegible]









در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفارة روزه اول نداده در صورت باتفاق کفاره علحدّه واجب است و اگر بخطایا بکراه افطار کرد و گویاجام یا حقنه کرده شد یا در گوش یا در بینی دوا بچکانیده شد یا در زخم شکم یا زخم سر دوا چکانیده شد پس در اینها باطل است و باید در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از حلق فرو برد و یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب افطار کرد حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پس ترغمد آخورد یا آب در حلق خفته بختیشت یا زنی خفته در حاکم یا دیوانگی یا بهیوشی جماع کرده شد درین صورتها قضا واجب شود نه کفاره و همچنین اگر در رمضان نیت روزه کرد و نیت افطار و پیچ از مفرطات صوم از او بوقوع نیامد قضا واجب شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد

در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفارة روزه اول نداده در صورت باتفاق کفاره علحدّه واجب است و اگر بخطایا بکراه افطار کرد و گویاجام یا حقنه کرده شد یا در گوش یا در بینی دوا بچکانیده شد یا در زخم شکم یا زخم سر دوا چکانیده شد پس در اینها باطل است و باید در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از حلق فرو برد و یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب افطار کرد حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پس ترغمد آخورد یا آب در حلق خفته بختیشت یا زنی خفته در حاکم یا دیوانگی یا بهیوشی جماع کرده شد درین صورتها قضا واجب شود نه کفاره و همچنین اگر در رمضان نیت روزه کرد و نیت افطار و پیچ از مفرطات صوم از او بوقوع نیامد قضا واجب شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد

در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفارة روزه اول نداده در صورت باتفاق کفاره علحدّه واجب است و اگر بخطایا بکراه افطار کرد و گویاجام یا حقنه کرده شد یا در گوش یا در بینی دوا بچکانیده شد یا در زخم شکم یا زخم سر دوا چکانیده شد پس در اینها باطل است و باید در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از حلق فرو برد و یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب افطار کرد حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پس ترغمد آخورد یا آب در حلق خفته بختیشت یا زنی خفته در حاکم یا دیوانگی یا بهیوشی جماع کرده شد درین صورتها قضا واجب شود نه کفاره و همچنین اگر در رمضان نیت روزه کرد و نیت افطار و پیچ از مفرطات صوم از او بوقوع نیامد قضا واجب شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد

در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفارة روزه اول نداده در صورت باتفاق کفاره علحدّه واجب است و اگر بخطایا بکراه افطار کرد و گویاجام یا حقنه کرده شد یا در گوش یا در بینی دوا بچکانیده شد یا در زخم شکم یا زخم سر دوا چکانیده شد پس در اینها باطل است و باید در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از حلق فرو برد و یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب افطار کرد حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پس ترغمد آخورد یا آب در حلق خفته بختیشت یا زنی خفته در حاکم یا دیوانگی یا بهیوشی جماع کرده شد درین صورتها قضا واجب شود نه کفاره و همچنین اگر در رمضان نیت روزه کرد و نیت افطار و پیچ از مفرطات صوم از او بوقوع نیامد قضا واجب شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد



۱۰۲

از خلق فروبرد روزه فاسد شود و اگر در دهان نگیرد روزه فاسد نشود  
 قی می دهن در دهن آمد و باز آنرا بقصد فروبرد روزه فاسد شود  
 و اگر قی قلیل در دهن آمد و بی قصد فرو رفت روزه فاسد نشود  
 اگر کسی دهن بی قصد فرو رفت نزد ابی یوسف فاسد شونده نزد  
 محمد اگر قلیل بقصد فرو رفت نزد محمد فاسد شونده نزد ابی یوسف  
 چیدن چیزی یا خیدن چیزی بغير در در و مکروه است و طعام  
 برای طفل خائیدن در صورت ضرورت جائز باشد و مضمضه  
 و استنشاق برای دفع گرمی همچنین غسل شستن دفع گرمی و  
 پارچه ترچیدن نزد امام اعظم مکروه است تنزهها که بر خراج  
 دلیل است و نزد ابی یوسف هم مکروه نیست بلکه اگر شب  
 مجنب شد و صبح کرد و صائم در حالت جنابت روزه صحیح  
 است لیکن مستحب است که پیش از طلوع صبح غسل کند بلکه  
 علما اتفاق دارند بر آنکه در روزه دروغ گفتن یا غیبت کسی کردن

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







14

۱۰۶

عنه آید که آن حضرت  
علیه السلام در بیان

عاشقانه  
تکلیف

استحقاق

دولت مستقیم

رأى منى

و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در شعبان اکثر روزه داری و در بعضی  
احادیث بعد نصف شعبان از روزه نمی آمده بحیث آنکه ضعف  
مانع صوم رمضان نشود بلکه در هر ماه سه روزه واجب است  
گاهی پیغمبر روزه ایام بیست و نهم چهاردهم پانزدهم و شانزدهم و گاهی  
اول ماه و گاهی آخر ماه و گاهی در هر عشره یک روزه و گاهی پنجشنبه  
و دوشنبه و پنجشنبه یا دوشنبه و پنجشنبه و دوشنبه و گاهی در  
یک ماه شنبه یکشنبه دوشنبه و در ماه دوم شنبه چهارشنبه پنجشنبه  
روز عرفه هر که روزه دارد دو ساله گناه او بخشیده شود و اگر گذشت  
و سالی آینه و اگر روز عاشوره روزه دارد یک ساله گناه او بخشیده  
شود و مستحب است که با عاشوره یک روز اولی یک روز بعد از آن روزه  
داشته باشد و روزه روز جمعه تنها نزد بعضی علماء مکروه است و نزد ابی حنیفه  
و محمد رحماً الله مکروه نیست بلکه صوم در هر صوم سال مکروه است  
و بهترین صیام صیام داوود است که یک روز روزه دارد و یک روز

در این دفتر  
 علیه السلام درین منزل  
 روزه و نیت نشان و فرق کرده است  
 فرمودن و قومش را انداخته است  
 دوست روز و شکار و پیشه بود  
 باجمیع بنیت موسی روز و میرایم  
 آن حضرت علی التعلیه و کمال  
 فرمود ما را در قریم موسی از شما  
 پس روزه و نیت و این است  
 فرمود و چون رمضان فرزند شود فرمود  
 روز عاشورا روزیست از روزها  
 خداوند عالم هر که خواهد  
 روز و نیت و این است  
 روز و نیت و این است

مفتی محمد رفیع الرحمن صاحب مدظلہ العالی

امداد لاهور  
فصل ۱۰

[illegible]

PA 11-11-11

سید الشهدا





八

۱۰۸  
 و نظر از آن کرده باشد تا حد  
 عقوبت و عین حکم استقام است  
 علی کس  
 بجز که شکات را باید که از دست  
 کند بکلمات و قرآن و قدرت  
 کتب حدیث و فقه و علم  
 اینها را در این دفتر و روشن  
 درین مجلس مکتوبی کرده اند  
 و بعد از اینها  
 اسامی و کلماتی که در  
 دفتر مکتوب و در این مجلس  
 و در این مجلس مکتوب و در این مجلس  
 و در این مجلس مکتوب و در این مجلس

تا که اکثر روز بیرون مسجد نباشد فاسد نشود و خوردن و نوشیدن  
خفتن و بیع و شرب بدون حضار متاع مشکف اجازت نیست غیر  
<sup>در مسجد</sup>  
مسئله مشکف اطمینان و دعا و طریح است و از وظایف اگر چه  
باشد یا بفراموشی باشد عتکاف فاسد شود و از مس قبله اگر آنرا  
<sup>و هر چه باشد سواست و نه</sup>  
کنند عتکاف فاسد شود و الا نه و عتکاف سکوت با کلیه مکروهات  
کلام پیوده مکروه ترک لازم نمی کند مسئله اگر عتکاف چند روز راند کرد  
شبهائی آنروزها هم عتکاف لازم شود همچنین در نزد عتکاف و  
اعتکاف دو شب لازم و نزدیک یوسف اعتکاف یک شبانه  
دو روز و اگر اعتکاف یک ماه را نذر کرد عتکاف متصل یک ماه لازم شود  
اگر چه نگفته باشد مسئله عتکاف بشرع لازم شود مگر نزد محمد ح

کتاب الحج

یکی از ائمه کرام السلام حج است آن فرض عین است اگر شتر الط و جوب آن  
یافته شود و منکر آن کافر است تا اگر آن با وجود شتر الط و جوب فاسق

[illegible]

کتاب فی خارج الزمر  
 بر روی جلد است  
 شماره قفسه ۱۲  
 شماره قفسه ۱۲  
 کتاب فی خارج الزمر  
 بر روی جلد است  
 شماره قفسه ۱۲



لا فائدة من هذه الحجة  
١١٠

لا فائدة من هذه الحجة  
١١٠

المازني الى صنفه

این است نزد

وہی ہے

صاحبین

میں نے اس کے لئے

۲۰۰۰

۱۰۰۰

مجلس

4072  
1303

4

...

و غیره حشرات چون زنبور و سنگ لپشت و مانند آن و جانوری  
که غالب قوت وی نجاست باشد حرام است و زناغ که دانه و نجاست  
هر دو منخور و مکروه است و است حلالست و نزد امام اعظم ح مکروه  
و زناغ زراعت که فقط دانه می خورد و خرگوش و دیگر حیوانات بری  
حلال اند و از حیوانات دریا نزد امام اعظم ح سوا ماهی و جمیع قسم  
خوفیچ جانور حلال نیست ماهی اگر در دریا مرد و بر روی آب مرد حرامست  
نزد امام اعظم ح و ماهی و جواد و شیخ شرط نیست مکمل خوردن  
بقدریکه قوام زندگی باشد فرض است و بقدریکه بدان نماز است و  
توان خواندن و قوت بر روزه حاصل شود مستحب است و تا نصف شکم  
مسنون تا پیری شکم مباح است و اگر به نیت قوت جاد و بریل علوم  
دینی بخورد مستحب باشد و زیاده از پیری شکم حرامست مگر به قصد روزه  
فرو یا یا بنماطر همان مکمل در حالت منحصه یعنی در وقت انقضای  
مرگ اگر سنگی اگر یا کول حلال نیاید به میت و مانند آن از

[illegible]

به آن دست و پا و توان خود  
 نفس گفت و دعا کرد آن  
 در آن خانه و در آن  
 قورنر و از این شکم  
 آه و وحش داشت که  
 گمان غالب باشد  
 که بعد از آن  
 خود را بافت

فادانہ کا بیان  
سرمایہ کا بیان  
فادانہ کا بیان















اگر شہوت نباشد والا جائز نیست و در قرآن آمده و بگو ای محمد  
 مردان مسلمانان را که از زنان چشم پوشند و فرج را نگاه دارند  
 و بگو زنان مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فرج را  
 نگاه دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه بشہوت ببیند  
 عسب در چشم او روز قیامت ریختہ شود مسئلہ از زن  
 منکوحہ و مملوکہ خود تمام بدن و بدن حیوان است  
 لیکن مستحب آنست کہ شہر مگاہ را نہ بیند و از زن محترکہ خود  
 از کنیر اجنبی سر و روی و ساق و بازو بہ بیند و مس کردن  
 ہم جائز است اگر از شہوت مامون باشد و شک و شبہ در آن  
 نہ بیند و بندہ انما لکہ خود مثل جنبی است مسئلہ ویدن  
 لبوی زن اجنبیہ وقت ارادہ نکاح یا شرعے آن با وجود  
 شہوت ہم جائز است و همچنین شاہد را نیز تحمل شہادت  
 و ادای آن و حاکم را نیز و حکم مسئلہ خوبہ و اختہ

[illegible]

سنة قورده جام دست

شاه نژاد سال آمدن

شان نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

حکم مرد است ستمه غزل از ستمکوه حره یعنی منی بیرون  
 انداختن تا علق نشود بی اذن او جائز نیست و اگر مملو که  
 غیر ستمکوه او باشد بغیر اذن سید او جائز نیست و از مملو که خود  
 بی اذن جائز است ستمه اگر کسی کثیر را بشیر یا سپه یا رشت یا  
 مانند آن بکشد و طی آن جائز نیست نه دواعی و طی تاکه و ملک  
 او یک چنین کامل یافته شود و اگر صغیره یا آنکه باشد بعد یک ماه  
 و طی جائز است ستمه اگر دو کثیر و ملک کسی باشد که کتخ  
 آن هر دو جمع نتوان کرد آنکس اگر با یکی و طی کرد و دیگر برو  
 حرام باشد تا که آنرا از ملک خود خارج کند یا نکاح کرده و  
 فصل در کسب تجارت و اجاره در حدیث آمده که طلب  
 حایل فرض است بعد فراغش بهترین کسب عمل است خود است  
 داود علیه السلام عمل از دست خود میکرد و میخورد و زره میساخت  
 و دیگر میفروخت بهتر است یعنی بیع که پاک باشد از وساد و کزایت

این دایم رسیده باشد  
 باینکه من انقطاع حیض و اگر حامله  
 باشد تا که وضع عمل نکند در غنیمت  
 کامل پس اگر در میان ماه حیض بود  
 من استمر متعلق حیض اگر در میان ماه  
 شکار بود آن ماه در سال آرد  
 و یکساعت است این یکساعت را اگر  
 دست داشت بود در آن یکساعت اگر  
 که حضرت آدم علیه السلام بود که  
 زود آمدن ایشان را در آن یکساعت

عزل از ستمکوه

سنة قورده جام دست

شاه نژاد سال آمدن

شان نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

شاه نژاد سال آمدن

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حریج آن بطلست  
و همچنین اگر مال شبهه لیکن متقوم نباشد مانند پرنده در هوا یا ماهی  
دریا و مانند خمر و خوک مسئله مال غیر متقوم اگر عوض مبلغ فروخته  
شود بیع باطل گردد و اگر عوض سخت فروخته شود بیع عرض  
فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله بیع  
باطل مشتری مالک نشود و انبیع فاسد بعد قبض مالک و لیکن  
آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است که مشکوک  
الوجود است احتمال است که صحیح باشد مسئله بیع که انجام  
آن بنازع است که فاسد است چنانچه بیع پشم بر پشت گوسفند یا  
چوب در سقف یا گنبد راع در پارچه یا باطل مجهول پس اگر  
مشتری بیع نکرده و چوب از سقف جدا کرد و راع از ثوب  
یا اصل مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع  
فاسد فاسد است و مشتری فاسد آن است که مقتضای عقد

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حریج آن بطلست  
و همچنین اگر مال شبهه لیکن متقوم نباشد مانند پرنده در هوا یا ماهی  
دریا و مانند خمر و خوک مسئله مال غیر متقوم اگر عوض مبلغ فروخته  
شود بیع باطل گردد و اگر عوض سخت فروخته شود بیع عرض  
فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله بیع  
باطل مشتری مالک نشود و انبیع فاسد بعد قبض مالک و لیکن  
آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است که مشکوک  
الوجود است احتمال است که صحیح باشد مسئله بیع که انجام  
آن بنازع است که فاسد است چنانچه بیع پشم بر پشت گوسفند یا  
چوب در سقف یا گنبد راع در پارچه یا باطل مجهول پس اگر  
مشتری بیع نکرده و چوب از سقف جدا کرد و راع از ثوب  
یا اصل مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع  
فاسد فاسد است و مشتری فاسد آن است که مقتضای عقد

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حریج آن بطلست  
و همچنین اگر مال شبهه لیکن متقوم نباشد مانند پرنده در هوا یا ماهی  
دریا و مانند خمر و خوک مسئله مال غیر متقوم اگر عوض مبلغ فروخته  
شود بیع باطل گردد و اگر عوض سخت فروخته شود بیع عرض  
فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله بیع  
باطل مشتری مالک نشود و انبیع فاسد بعد قبض مالک و لیکن  
آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است که مشکوک  
الوجود است احتمال است که صحیح باشد مسئله بیع که انجام  
آن بنازع است که فاسد است چنانچه بیع پشم بر پشت گوسفند یا  
چوب در سقف یا گنبد راع در پارچه یا باطل مجهول پس اگر  
مشتری بیع نکرده و چوب از سقف جدا کرد و راع از ثوب  
یا اصل مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع  
فاسد فاسد است و مشتری فاسد آن است که مقتضای عقد





[illegible]

آن کافرست بدانکه ربوا دو قسم است یکی ربوا نسبی یعنی نقد رهنسبه  
فروختن دوم ربوا فضل یعنی اندک را بسیار فروختن نزد  
امام اعظم اگر دو چیز یافته شود هر دو قسم ربوا حرام باشد یکی اتحاد  
جنس دوم اتحاد قدر و اعتبار است از کلیل یا وزن و اگر ازین خیرگی  
یافته شود در بانسبه حرام باشد نه ربوا فضل پس اگر گندم را عوض کنند  
یا نخود را عوض نخود یا جو را عوض جو یا زرا عوض زرا یا آهین را عوض  
آهین فروخته شود فضل نسبه هر دو حرام باشد که هر دو چیز اتحاد  
و اتحاد قدر موجود است و اگر گندم را عوض نخود یا زرا عوض گندم  
یا آهین را عوض زرا فروخته شود فضل حلال است لیکن نسبه حرام  
که گندم و نخود هر دو یک کلیل فروخته میشوند و آهین و سن یک  
جنس نبات و زرا و اقرو یک سنبل و نبات فروخته میشوند  
جنس متحد نیست و اگر پارچه گزی را با پارچه گزی یا اسپ را با  
اسپ فروخته شود نیز فضل حلال است و نسبه حرام که اتحاد جنس

کتابخانه است و علی الضیق آن را فی المال المکثر جمع و جمع سنه اولاد ان علمه از دست ۱۲

[illegible]















در شهر کی بر بی اهل آن مضر باشد مکرده است و زو امام ابی یوسف  
و هر جنس که ضراحتکار آن بعاصه باشد احتکار آن منوع است حکم  
محمدا امر کند که زیاده از حاجت خود نفروشد بلکه اگر غله  
زراعت خود را بکرو یا از شهری دیگر خریده آورد و بپند کرد و احتکارت  
مسئله با و شاه و حاکم رانج کردن مکرده است مگر و قتی که تقاللا  
در گرانی غله بسیار تعدی نمایند در انصوت بشویش انایان رخ

که فصل در تنفقات آداب شرت و حقوق الناس بیان آن  
مسابقه و تیر اندازی یا و دووانیدن اسپان یا شتران یا  
یا شتران جائز است و اگر بر پیش فنده چیری مقرر کرده اگر از  
یک جانب باشد جائز است و از جانبین حرام است مگر آنکه یک شتر یا  
در میان باشد و گفته شود که اگر یکی رود کس پیش رود و آنقدر با و  
شود و اگر دو کس پیش روند و نصیبت از مالش هیچ نگرفته شود و از آن  
هر که پیش و از دیگر گیر و در نصیبت این بقیه و این مقرر کردن انعام

در شهر کی بر بی اهل آن مضر باشد مکرده است و زو امام ابی یوسف  
و هر جنس که ضراحتکار آن بعاصه باشد احتکار آن منوع است حکم  
محمدا امر کند که زیاده از حاجت خود نفروشد بلکه اگر غله  
زراعت خود را بکرو یا از شهری دیگر خریده آورد و بپند کرد و احتکارت  
مسئله با و شاه و حاکم رانج کردن مکرده است مگر و قتی که تقاللا  
در گرانی غله بسیار تعدی نمایند در انصوت بشویش انایان رخ  
که فصل در تنفقات آداب شرت و حقوق الناس بیان آن  
مسابقه و تیر اندازی یا و دووانیدن اسپان یا شتران یا  
یا شتران جائز است و اگر بر پیش فنده چیری مقرر کرده اگر از  
یک جانب باشد جائز است و از جانبین حرام است مگر آنکه یک شتر یا  
در میان باشد و گفته شود که اگر یکی رود کس پیش رود و آنقدر با و  
شود و اگر دو کس پیش روند و نصیبت از مالش هیچ نگرفته شود و از آن  
هر که پیش و از دیگر گیر و در نصیبت این بقیه و این مقرر کردن انعام

در شهر کی بر بی اهل آن مضر باشد مکرده است و زو امام ابی یوسف  
و هر جنس که ضراحتکار آن بعاصه باشد احتکار آن منوع است حکم  
محمدا امر کند که زیاده از حاجت خود نفروشد بلکه اگر غله  
زراعت خود را بکرو یا از شهری دیگر خریده آورد و بپند کرد و احتکارت  
مسئله با و شاه و حاکم رانج کردن مکرده است مگر و قتی که تقاللا  
در گرانی غله بسیار تعدی نمایند در انصوت بشویش انایان رخ  
که فصل در تنفقات آداب شرت و حقوق الناس بیان آن  
مسابقه و تیر اندازی یا و دووانیدن اسپان یا شتران یا  
یا شتران جائز است و اگر بر پیش فنده چیری مقرر کرده اگر از  
یک جانب باشد جائز است و از جانبین حرام است مگر آنکه یک شتر یا  
در میان باشد و گفته شود که اگر یکی رود کس پیش رود و آنقدر با و  
شود و اگر دو کس پیش روند و نصیبت از مالش هیچ نگرفته شود و از آن  
هر که پیش و از دیگر گیر و در نصیبت این بقیه و این مقرر کردن انعام

در شهر کی بر بی اهل آن مضر باشد مکرده است و زو امام ابی یوسف  
و هر جنس که ضراحتکار آن بعاصه باشد احتکار آن منوع است حکم  
محمدا امر کند که زیاده از حاجت خود نفروشد بلکه اگر غله  
زراعت خود را بکرو یا از شهری دیگر خریده آورد و بپند کرد و احتکارت  
مسئله با و شاه و حاکم رانج کردن مکرده است مگر و قتی که تقاللا  
در گرانی غله بسیار تعدی نمایند در انصوت بشویش انایان رخ

جائز است و حلال لیکن آنچه برای پیش رونده مقرر کرده اند واجب  
 نمیشود و مواخذه آن نمیرسد همچنین جائز است که امیروم لشکرا  
 بگوید که هر که پیش رو اینقدر بوی بد هم و همچنین حکم است آنکه دو  
 طالب علم مسئله اختلاف کنند و خواهند که با استاد رجوع آرند و برای  
 حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و اگر مخالف  
 ست است و کسی دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بخیر  
 قبول نکند آثم نمیشود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد  
 و نه هم سبائل ندید بگر با جازت مالک اگر داند که آنجا لهویا سرور  
 است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن لهویا  
 شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا  
 لهو و مجلس طعام باشد نه نشیئت امام عظمی فرموده که بدان مسئله  
 شد هم پس صبر کریم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله و  
 حرمت است که باز دارنده است از ذکر الهی و هیچ شغوت است

اینکه در حدیث آمده است که هر که پیش رو اینقدر بوی بد هم و همچنین حکم است آنکه دو طالب علم مسئله اختلاف کنند و خواهند که با استاد رجوع آرند و برای حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و اگر مخالف ست است و کسی دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بخیر قبول نکند آثم نمیشود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد و نه هم سبائل ندید بگر با جازت مالک اگر داند که آنجا لهویا سرور است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن لهویا شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا لهو و مجلس طعام باشد نه نشیئت امام عظمی فرموده که بدان مسئله شد هم پس صبر کریم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله و حرمت است که باز دارنده است از ذکر الهی و هیچ شغوت است

اینکه در حدیث آمده است که هر که پیش رو اینقدر بوی بد هم و همچنین حکم است آنکه دو طالب علم مسئله اختلاف کنند و خواهند که با استاد رجوع آرند و برای حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و اگر مخالف ست است و کسی دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بخیر قبول نکند آثم نمیشود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد و نه هم سبائل ندید بگر با جازت مالک اگر داند که آنجا لهویا سرور است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن لهویا شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا لهو و مجلس طعام باشد نه نشیئت امام عظمی فرموده که بدان مسئله شد هم پس صبر کریم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله و حرمت است که باز دارنده است از ذکر الهی و هیچ شغوت است

اینکه در حدیث آمده است که هر که پیش رو اینقدر بوی بد هم و همچنین حکم است آنکه دو طالب علم مسئله اختلاف کنند و خواهند که با استاد رجوع آرند و برای حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و اگر مخالف ست است و کسی دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بخیر قبول نکند آثم نمیشود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد و نه هم سبائل ندید بگر با جازت مالک اگر داند که آنجا لهویا سرور است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن لهویا شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا لهو و مجلس طعام باشد نه نشیئت امام عظمی فرموده که بدان مسئله شد هم پس صبر کریم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله و حرمت است که باز دارنده است از ذکر الهی و هیچ شغوت است

اینکه در حدیث آمده است که هر که پیش رو اینقدر بوی بد هم و همچنین حکم است آنکه دو طالب علم مسئله اختلاف کنند و خواهند که با استاد رجوع آرند و برای حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و اگر مخالف ست است و کسی دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بخیر قبول نکند آثم نمیشود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد و نه هم سبائل ندید بگر با جازت مالک اگر داند که آنجا لهویا سرور است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن لهویا شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا لهو و مجلس طعام باشد نه نشیئت امام عظمی فرموده که بدان مسئله شد هم پس صبر کریم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله و حرمت است که باز دارنده است از ذکر الهی و هیچ شغوت است





134

[illegible]

هم مکرده است مسئله حسن حال مسلمان بر اعیب جوئی آنها  
 حرمت و بدترین دروغ شهادت دروغ است و قسم دروغ که بدان  
 مال مسلمانی را بناحق تلف کند حق تعالی دروغ بر او بشمار شمرده  
 و فرموده که پرہیز کنید از بت پرستی و پرہیز کنید از سخن دروغ  
 و حالیکہ مسلمان اہرست روزہ باشد نہ مشرک مسلمانہ رشوت  
 و ہندہ و رشوت خوردہ در دروغ باشد مگر آنکہ دادن رشوت بر  
 دفع ظلم جائز است مسئلہ ہر کہ حکم کند موافق کتاب اللہ حق تعالی  
 آنها را کافر گشتہ مسئلہ قضیہ و مناقشہ کہ در میان افتد واجبست  
 کہ آنرا بشرع رجوع کند و آنچه شرع در آن حکم کند اگر چہ خلاف طبع و  
 باشد و حیست کہ آنرا بطیب خاطر قبول کند مکرودہ و دشمن آن  
 کفر است و ستادم انکار شرع مسئلہ عجب و تکبر کردن و  
 نفس خود را از دیگران بہتر دانستن عیب و حقیر دانستن حرامست  
 حق تعالی میفرماید نفس خود را بہت بیای کی کنی بیکہ

[illegible]

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم  
عليه وآله وسلم لا تقصصوا عني  
شيئا من حديثي ولا من حديثي  
عنكم ولا من حديثي عنكم  
ولا من حديثي عنكم

174

1944  
E-2

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْخَيْرَ مَا رَأَى

سیدنا سیدنا سیدنا

بسم الله الرحمن الرحيم

الاعمال  
مفتوح علیہ

10

مجلس

عن علي بن ابي طالب

شماره ۱۰۰

سید محمد علی

2

كتاب الاغتيا  
في حلاله واهله

١٢١

خدا هر که را می خواهد پاک میکند و اعتبار خاتمه رست خاتمه معلوم نیست که چه خواهد بود و در حدیث آمده که حق تعالی بعضی کسان را بهشتی نوشته است و تمام عمر عمل و نوح میکند و آخر کار تائب میشود و عمل بهشت میکند بهشتی میشود و بعضی کسان را دوزخی نوشته و تمام عمر عمل بهشت میکند آخر کار نوشته ازلی غالب می آید و عمل دوزخ میکند و دوزخی میشود شیخ سعدی می گوید

<p>دو اندرز فرمود بر روی آب دوم آنکه بر غیبت بدین سبب</p>	<p>مرا پیر دانا ی روشن شهاب یکی آنکه بر خویش خود بدین سبب</p>
---	---

مسئله تفاهر با نساء حرام است و نیز تجاوز بال جاه حرام است  
 کریم تر از خدا متقی تر است مسئله بازی کردن به شطرنج یا  
 یا چوپسریا مانند آن حرام است و اگر در آن مال مشروط باشد قمار  
 و حرام قطعی و گناه کبیره باشد و منکر حرمت آن کافر باشد  
 نیز لعب بپرانیدن کبوتر یا جنگانیدن مرغ و مانند آن

کلمه  
 شریف  
 بوده است ازینجا که در  
 و فرزند و پسران جانان که در  
 پسران گاه است یا تا جویند تمام  
 اولاد آدم از آدم و هم علی السلام  
 ارتقا است ۱۲  
 ارتقا است از علی تا که در اسلام  
 نبوی صلی الله علیه و آله و سلم  
 و شفا و شفا و شفا و شفا و شفا  
 پانزده و شفا و شفا و شفا و شفا  
 تقاضی است که در همه جایست  
 معصوم و بیاد و شفا و شفا و شفا  
 باشد اما شفا و شفا و شفا  
 بدین آن بدین است  
 بلکه بقصد شفا و شفا و شفا  
 فضل باری است که شفا و شفا  
 یک قدرت است که در شفا و شفا  
 نه از شفا و شفا و شفا و شفا  
 نزد خدا ۱۱ است از شفا و شفا  
 ان اگر که در شفا و شفا و شفا  
 انصر است از شفا و شفا و شفا  
 المال و اگر که در شفا و شفا  
 خدا صلی الله علیه و آله و سلم  
 دنیا مال است از شفا و شفا  
 شفا و شفا و شفا و شفا و شفا  
 و دیگر که در شفا و شفا و شفا

عباد القادر  
 ارباب السالكين  
 اجماع علماء اسلام است درم  
 دلائل و كبر و هو و مظهر  
 و محققين و غير محققين  
 ليكن در باب نظريات  
 امام شافعي و مذهب  
 عولان آمده است كه در  
 بودن غير مال و كره  
 واجبات و مذهب عدم  
 اكثر و تحقيق در شمار  
 در مذهب ايشان مذهب  
 كه است قهرمي است  
 على الاماكن















۱۲۰

[illegible]

و شریعت است و مغر و حقیقت او در خدمت و رویشان بایست  
و خیال نباید کرد که حقیقت خاتم شریعت است که این سخن جمل  
و کفر است بلکه همین شریعت است که در خدمت رویشان چون قلب  
از تعلق علمی و محی که با سواى اقدس و شت پاک شود و زائل نفس  
بطرف گشته نفس مطمئنه شود و اخلاص بهم رساند شریعت در حق او  
با سفر شود نماز و عن الله تعلق دیگر بهم رساند و رکعت او بهتر از  
کس است دیگران باشد و همچنین صوم او و صدقه او و رسول فرمود  
صلی الله علیه و آله و سلم اگر شما مثل احدی در راه خدا خرج کنید یا بر  
یک سیر یا نیم سیر عریض باشد که صحابه در راه خدا داده اند این اجبت  
قوت ایمان اخلاص شانت نور باطن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
از سینه رویشان بایست و بدان نور سینه خود را روشن  
باید کرد تا هر خبر و شریعت صحیح دریافت شود و لی و قرآن  
متقی را فرموده و در حدیث علامت اولیاء الله فرموده

خارجی زلیجہ ہلکتا کر شہر  
فات و صفات  
خواتین کے لیے  
بندوبست  
اسکان و دولت  
کھنڈہ بجا عتبات  
آباد نئے خداداد کما  
یوں کہ اندوہ اور غم  
چرخِ سخن میں دراز گشتا







مسئله اگر کسی بدون شود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را  
 گواه کردم یا فرشته را گواه کردم کافر شود مسئله از مجمع النوازل  
 آورده که اگر گفت که فرشته دست راست و دست چپ گواه کردم کافر  
 نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت  
 که بیمار بیدار یا غله گران شود یا جانور آواز کرد از سفر بازگشت در کفر  
 اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد  
 میکنم بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدا میداند که منم و شادی تو  
 چنانم که منم شادی خود بعضی گفته که کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و  
 بدی آنکس مال و بدن قیام میکند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافر نشود  
 مسئله اگر گفت که قسم بخوابم یا تو کافر شود مسئله اگر گفت که رقی  
 از خداست لیکن از بنده حبتن خواهد کافر شود مسئله اگر گفت فلا  
 اگر نبی باشد بوی ایمان نیامد یا گفت اگر خدا مرا بخوار کند نماز  
 نکرده ام یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرده ام کافر شود مسئله اگر

عقلنا اگر کسی بدون شود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم کافر شود مسئله از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست راست و دست چپ گواه کردم کافر نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیمار بیدار یا غله گران شود یا جانور آواز کرد از سفر بازگشت در کفر اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد میکنم بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدا میداند که منم و شادی تو چنانم که منم شادی خود بعضی گفته که کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس مال و بدن قیام میکند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافر نشود مسئله اگر گفت که قسم بخوابم یا تو کافر شود مسئله اگر گفت که رقی از خداست لیکن از بنده حبتن خواهد کافر شود مسئله اگر گفت فلا اگر نبی باشد بوی ایمان نیامد یا گفت اگر خدا مرا بخوار کند نماز نکرده ام یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرده ام کافر شود مسئله اگر

مسئله اگر کسی بدون شود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم کافر شود مسئله از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست راست و دست چپ گواه کردم کافر نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیمار بیدار یا غله گران شود یا جانور آواز کرد از سفر بازگشت در کفر اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد میکنم بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدا میداند که منم و شادی تو چنانم که منم شادی خود بعضی گفته که کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس مال و بدن قیام میکند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافر نشود مسئله اگر گفت که قسم بخوابم یا تو کافر شود مسئله اگر گفت که رقی از خداست لیکن از بنده حبتن خواهد کافر شود مسئله اگر گفت فلا اگر نبی باشد بوی ایمان نیامد یا گفت اگر خدا مرا بخوار کند نماز نکرده ام یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرده ام کافر شود مسئله اگر



کافر شود مستبد اگر کسی گفت که حکم چنین است این کس بزور  
 آبروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفت که با  
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسبده کنم و با وی آشتی کنم کافر  
 نشود چرا که اراده او بعبودیت است اگر فاسقی مصلحا را بگوید یا  
 مسلمانی ببنیاد و بسوی محبت فتنه افکند کافر شود مستبد اگر کسی  
 میگوید شاد و باد آنکه بشادی ماشا و است ابو بکر طرخان گفته کافر شود  
 مستبد اگر زنی گوید لعنت بر شومی دشمنان و کافر شود مستبد اگر کسی  
 با حرام یا هم گمراه دلال چرا که روم کافر نشود مستبد اگر کسی بیاری  
 اگر خواهی مرا مسلمان بمان و اگر خواهی کافر بمان کافر شود  
 مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که روزی بن  
 فرخ کن یا بر بن ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر  
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مستبد  
 شخصی ازان میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر شود مستبد

کافر شود مستبد اگر کسی گفت که حکم چنین است این کس بزور  
 آبروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفت که با  
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسبده کنم و با وی آشتی کنم کافر  
 نشود چرا که اراده او بعبودیت است اگر فاسقی مصلحا را بگوید یا  
 مسلمانی ببنیاد و بسوی محبت فتنه افکند کافر شود مستبد اگر کسی  
 میگوید شاد و باد آنکه بشادی ماشا و است ابو بکر طرخان گفته کافر شود  
 مستبد اگر زنی گوید لعنت بر شومی دشمنان و کافر شود مستبد اگر کسی  
 با حرام یا هم گمراه دلال چرا که روم کافر نشود مستبد اگر کسی بیاری  
 اگر خواهی مرا مسلمان بمان و اگر خواهی کافر بمان کافر شود  
 مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که روزی بن  
 فرخ کن یا بر بن ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر  
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مستبد  
 شخصی ازان میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر شود مستبد

کافر شود مستبد اگر کسی گفت که حکم چنین است این کس بزور  
 آبروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفت که با  
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسبده کنم و با وی آشتی کنم کافر  
 نشود چرا که اراده او بعبودیت است اگر فاسقی مصلحا را بگوید یا  
 مسلمانی ببنیاد و بسوی محبت فتنه افکند کافر شود مستبد اگر کسی  
 میگوید شاد و باد آنکه بشادی ماشا و است ابو بکر طرخان گفته کافر شود  
 مستبد اگر زنی گوید لعنت بر شومی دشمنان و کافر شود مستبد اگر کسی  
 با حرام یا هم گمراه دلال چرا که روم کافر نشود مستبد اگر کسی بیاری  
 اگر خواهی مرا مسلمان بمان و اگر خواهی کافر بمان کافر شود  
 مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که روزی بن  
 فرخ کن یا بر بن ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر  
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مستبد  
 شخصی ازان میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر شود مستبد

174

[illegible]

اگر تو غیر صلی الله علیه و آله و سلم را عیب کرد یا موی جبار کشی استوی  
گفت کافر شود مسئله اگر کسی بادشاه ظالم را عادل گوید امام ابی  
منصور ح ماتریدی گفته کافر شود و امام ابو القاسم گفته کافر نشود  
چرا که البته گاهی عدل کرده باشد مسئله در حمادیه و سراجی گفته اگر کسی عقدا کند  
که خراج و غیره خزانه بادشاهی ملک شاه است کافر شود مسئله در  
سراجی گفته اگر کسی گفت که تو عالم غیب داری گفت دارم کافر شود  
مسئله اگر کسی گفت که اگر خدا مرایی تو در پشت پردنخواهم زفت اصح است  
که کافر شود مسئله اگر کسی گفت من مسلمانم دیگری گفت لعنت بر تو  
و بر مسلمانان تو کافر شود و در جامع القادوسی آورده اظهار است که کافر  
نشود در سراجی گفته اگر کسی گوید که اگر فرشتگان یا پیغمبران گواهی دهند که  
تو ایمانیت باور نداری کافر شود مسئله اگر شخصی دیگری گفت ای فلان  
گفت اگر چنین میگویم با تو صحبت ندهم بعضی گویند کافر شود و بعضی  
گویند نه مسئله اگر کسی گوید که کافر شدن به که با تو بودن کافر نشود

[illegible]

۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰























توضیحات است در ادای آن نتوان نمانید و صلیبی شریفه حضرت شیخ رضی الله عنه را  
 هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب دانند علی الموضع قدره و علی المفقور  
 قدره لایکلف الله نفسا الا وسعها فقیر و سال تمام ده من گندم پنج شش و پیه نقد بایشان بسلام  
 ازین قصور نشود و ده بیکه زمین چاه سیدانی و الله و الله دلیل الله از طرف خود برای مرز الان  
 وصیت کرده بود بایشان میرسد و من از طرف خود بستی بیکه خام زمین چاهی مزرع از موضع  
 غله برای ایشان مقرر نموده بودم لیکن ایشان بران قبضه نکرده اند یک من گندم و یک و پیه نقد  
 در ماهه بایشان میدهم درین هم قصور نشود موضع نگله میراث جد پدری و جد مادری من  
 محض تصدق حضرت مرزا صاحب شهید رضی الله عنه در ادای خدمت ایشان تقصیر  
 نماند نوع دیگر که برای پس ماندگان مفید است آنست که دنیا را چندان معتبر ندارند اکثر کس  
 و طفلی و اکثر در جوانی می میرند و بعضی بهیری میرسد تمام عمرشان هم در اندک فرصت شغل  
 باوصبا میرود و نمیدانند که کجاست و معالما آخرت که انقطاع پذیر نیست بر سر میانه حق تعالی  
 میفرماید اذ السماء انفطرت الی اخره قوله علمت نفس ما قدمت و آخرت املی باشد که  
 بالذات قلیل که انهم پنج کشتی میسیر نشود و لذات قوی دائمی را بر باد دهد و با لام ابدی گرفتار  
 شود و لغو نماید منهایس جایکه مصلحت نبی و مصلحت نبوی با هم متعارض شود مصلحت  
 دینی مقدم باید داشت کسیکه مصلحت نبی را مقدم میدارد دنیا هم موافق تقدیر بود  
 میرسد رسول فرمود علی الله علیه آله و سلم من جعل الاموم بها و احدهم آخرته کفی الله هم دنیا  
 یعنی هر که مقاصد خود و در یک مقصود منحصر سازد مقصود آخرت منظور دارد و کفایت  
 کند الله تعالی مقصود دنیای او را و کسیکه مصلحت نبی را مقدم دارد و گاه باشد که دنیا  
 هم او را دست نهد چنانچه پیشتر درین زمانه بچنین است پس خسر دنیا و الاخره شود

توضیحات  
 در ادای آن نتوان نمانید  
 و صلیبی شریفه حضرت شیخ رضی الله عنه را  
 هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب دانند  
 علی الموضع قدره و علی المفقور قدره  
 لایکلف الله نفسا الا وسعها فقیر و سال تمام ده من گندم  
 پنج شش و پیه نقد بایشان بسلام  
 ازین قصور نشود و ده بیکه زمین چاه سیدانی و الله و الله  
 دلیل الله از طرف خود برای مرز الان  
 وصیت کرده بود بایشان میرسد و من از طرف خود بستی  
 بیکه خام زمین چاهی مزرع از موضع غله برای ایشان  
 مقرر نموده بودم لیکن ایشان بران قبضه نکرده اند یک من  
 گندم و یک و پیه نقد در ماهه بایشان میدهم درین هم  
 قصور نشود موضع نگله میراث جد پدری و جد مادری من  
 محض تصدق حضرت مرزا صاحب شهید رضی الله عنه در ادای  
 خدمت ایشان تقصیر نماند نوع دیگر که برای پس ماندگان  
 مفید است آنست که دنیا را چندان معتبر ندارند اکثر کس  
 و طفلی و اکثر در جوانی می میرند و بعضی بهیری میرسد  
 تمام عمرشان هم در اندک فرصت شغل باوصبا میرود و  
 نمیدانند که کجاست و معالما آخرت که انقطاع پذیر نیست  
 بر سر میانه حق تعالی میفرماید اذ السماء انفطرت الی  
 اخره قوله علمت نفس ما قدمت و آخرت املی باشد که  
 بالذات قلیل که انهم پنج کشتی میسیر نشود و لذات قوی  
 دائمی را بر باد دهد و با لام ابدی گرفتار شود و لغو  
 نماید منهایس جایکه مصلحت نبی و مصلحت نبوی با هم  
 متعارض شود مصلحت دینی مقدم باید داشت کسیکه  
 مصلحت نبی را مقدم میدارد دنیا هم موافق تقدیر بود  
 میرسد رسول فرمود علی الله علیه آله و سلم من جعل  
 الاموم بها و احدهم آخرته کفی الله هم دنیا یعنی هر که  
 مقاصد خود و در یک مقصود منحصر سازد مقصود آخرت  
 منظور دارد و کفایت کند الله تعالی مقصود دنیای او را  
 و کسیکه مصلحت نبی را مقدم دارد و گاه باشد که دنیا  
 هم او را دست نهد چنانچه پیشتر درین زمانه بچنین است  
 پس خسر دنیا و الاخره شود

۱۵۷

بنام خداوند  
 اولاد  
 سلام  
 خداوند







آنست که از اتباع خود و زن و فرزند و نوکر و غلام و کنیز و رعیت با هر یک چنان معاشرت  
باید کرد که آنها را راضی باشند و دوست دارند و از کثرت خلاق و غمخواری و عدم تکلیف  
مالی لایطاق و رعایتها بجان گزیده باشند مگر آنکه بعضی از آنها از حد یک دیگر  
اگر ناخوش باشند آن معتبر نیست و متیوعان خود را از ادب فرمانبرداری خدنگزار می  
راضی دارند مگر در آنچه بحسبیت امر کنند رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم لا طاعت  
للمخلوق فی معصیه الخالق و با اقران خود از اقربا و برادران و دوستان و همصحبان  
و همسایگان با خلوص و محبت و غمخواری و تواضع باشند دنیا جای مناسب برای  
معاملات دنیوی با هم تقاطع نکنند هیچ خانه بر پا نشده مگر وقتی که با هم منازعت  
مخاصمت کردند و از کسانیکه اندیشه دشمنی باشد آنها را با احسان و نیکوئی شرمند  
سزگون باید کرد بیت آسایش و گیتی تفسیر این در فرستاد دوستان  
ملطف با دشمنان مدارا قال الله تعالی ارفع بالحق سبی حسن فاذا الذی بینک و

صلوات  
بیت و نهی  
غلو در  
پزناست  
من این  
جمع  
است  
صفت نامه  
معلقه مال بدین  
خبر غمخوار  
نست

بینه عداوة کانه ولی حمیم و مایقها الا الذین صبروا و مایقها الا ذی خطا عظیم و اما  
نیو غنک من الشیطان نزع فاستغاب الله به و استمع الیه یعنی دفع بدی کن  
نیکوتر است یعنی بدی دشمنان به نیکوئی کردن آنها از خود دفع کن پس ناگاه  
که در میان تو و دشمنی است دوست و محب باشد و می کنند این چنین مگر کسی  
صبر میکنند و مگر کسی که صاحب نصیب بزرگ انداگر و سوسه شیطان ترا درین کار  
مانع شود او را بخوان و پناه جوی بخدا به درستی که خدا سمیع و علیم است این حکم  
در حق کسی است که با دوی برای دنیا دشمنی و ناخوشی باشد اما کسی که خالصاً  
لله با دوی دشمنی باشد مثل و نفی و خواج و مانند آن از آنها نفی نکند تا که

تا که از عقاید فاسده توبه نکند اگر چه پیر یا نپیر باشد قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا  
 لا تتخذوا عدا و عدو کم اولیاء الی قوله لن یتقکم ارحامکم و الا اولادکم یوم القیامت  
 فیفضل منکم در خاندان فقیر همیشه علما شده آمده اند که در هر عصر ممتاز بودند از فرزندان  
 فقیر احمد الله این دولت بهم رسانیده بود خدایش پیام زو رحلت کرد و کلیل الله  
 و صفوة الله را هر چند خواستم در تحصیل این دولت تن نذا و ند حسرت است و این قدر  
 عبارت فتاوی که نمیدانم اعتبار ندارد و باید که خود هم درین امر اگر توانم کوشش  
 کنند و فرزندان خود را سخی کنند که این دولت را زوال کسب نمایند که هم در دنیا  
 و هم در عقبه شمر برکات است علم عبارت است از دانستن حسن و قبح عقاید و اخلاق  
 و احوال و اعمال که علم عقاید و علم اخلاق و علم فقه تکفیل آنست و این علم  
 بدون دریافتن اوله از قرآن و حدیث و تفسیر و شرح احادیث و اصول  
 فقه و دریافتن اقوال تابعین خصوصاً ائمه اربعه رحمهم الله و لغت و صرف  
 و نحو صورت نمی بندد و در اکثر فتاوی بعضی روایات بی اصل نوشته اند  
 دریافت حال صحیح و سقیم مسائل بدون اینهمه علوم نمی شود درین علوم سعی ثبات  
 کرد و خواندن حکمت فلاسفه لاشی محض است کمال دران مثل کمال مطربانست  
 در علم موسیقی که موسیقی هم فنی است از فنون حکمت یا ضعیف مگر منطق که خام هم  
 علوم است خواندن آن البته مفید است

تتمت



اینجا آورده اند  
 بگویند فرزندان علم  
 و دانشان خود را و  
 دوستان نابینا  
 او سود نخواهد داشت  
 شرف و کمال  
 شما از این است  
 و بصیرت است که درین  
 متعلقه بالا بیرون  
 بسیار  
 خواهد کرد  
 در بیان  
 شما

۱۶۱

# رسالہ اظہار احکام و احرام ضمیمہ مالابدینہ بنظر مفتی ع

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللہ کی حمد کس نہ ہو سکے کہ جسے کھانا مہوار کا حرام کیا اور لاکھوں روپوں  
رسول مقبول پر کہ جسکے دست مبارک میں مجھے ہوئی گوشت نے کلام کیا بعد اسکے  
فقیر محمد حسین ساکن تبت سب بھائی مسلمانوں کی خدمت میں پست برکنہ و  
کرتا ہوں کہ جب مولوی شیخ محمد عبد اللہ صاحب بیروجات کو مسلمانوں کو کافروں  
گوشت خرید کر کھاتی ہوئی دیکھا یعنی ہندو کچہ ٹیکوں سب گوشت لیتے ہیں تو کہاں حرام  
انہی کے دہلی اور سہارنپور کے عالموں کے قوی اسکے دست نادرست ہو گیا طلب کیا  
سوال اسکے نادرست ہوئی پر دونوں جگہ کے عالموں کی مہرین ہو آئیں جب اتفاقاً غریب  
اور سواہر ہو آیا تو مولانا موصوف نے اس فقیر کو ارشاد کیا کہ اگر اسکو چھو اگر مسلمانوں  
میں منتشر کر دیا جائے تو بہتر ہو سو میں نے اوپر عمل کیا اور یہ خطبہ طبع کر کے تمام  
رسالہ اظہار احکام و احرام لکھا اللہ مسلمانوں کو عمل کی توفیق دے \*  
سوال اول قولہم رحمہم اللہ در صورتیکہ کافری گوشت ذبیحہ بغیر شدہ بیان کنند  
کہ ان ذبیحہ سلم فرج کردہ است و دلیل بر فرج کردن سلم قول کافر است فقط درین صورت  
باعتماد قول کافران ذبیحہ حلال است یا حرام و نیز در قریہ شکا عادت باشد کہ از مسلمانان  
فرج کنندہ کفار گوشت می فروشند مگر خریدار فرج کردن مسلمان آن ذبیحہ را  
بخر قول کافر یا عادت از وہ دیگر معلوم نمی شود پس حکم چیست \*  
جواب اول حکم بر قرینہ و غیرہ کردہ نہیں شود تا وقتیکہ دلیل شرعی قائم نشود و از  
حنفیان حکم بر قیافہ نہیں از مذہب علی مخصوص در حلت و حرمت کہ محل احتیاط و احتراز است

محمد تقی صاحب

بیم صورت مرقومه حکم بقول کافر و باب حلت حرامت که از جمله دیتاها نکرده شود یعنی  
آن گوشت بقول کافر که فرج کرده مسلم است خوردن جائز نیست قال فی درالمختار  
قول الکافر مقبول بالاجماع فی المعاملات لانی الدیانات انشی و قال محمد بن حسن  
الشیبانی فی الموطا فان تبک مجوسی ذکران مسلما ذبح لم یصدق ولم یوکل الله اعلم بالصواب

محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی
محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی

سوال دوم چه سفیر نمایند علمای بن جرم الله تعالی اندر نیاب که شخصی قوم بنود مثل  
کشتیک غیره گویند یا دیگر حیوان از دست مسلمان فرج کنانید بعد آن حیوان نظر مسلمان  
غائب شد بعد بخرید آن کشتیک گفت که این گوشت همان حیوانی که تو فرج نمودی آیا  
این مسلمان را باعتماد قول آن بنود خریدن گوشت آن ذبیحه درست است یا نه

جواب دوم ما و امیکه گوشت آن ذبیحه روبروی مسلم ماند و غائب نشود و خریدنش و  
خوردنش درست است و بعد از آن که از نظرش غائب شد قول آن کافر و نیاب مستخبر

شد قال محمد بن داود و هو قول ابی حنیفه رحمه الله اذا کان الذی یاتی بها ای تمک

اللحم و فی نسخه ذکرت مسلمان او من اهل الکتاب می یهودیا او نصرانیا او کان عربیا  
و صارت کتابیا فان اتی بذلک مجوسی ای عایدارونی معناه الوثنی و عابد غیر الله و ذکران  
مسلمان ذبح و ذکران اهل الکتاب می ذبح لم یصدق فیما ذکره و لم یوکل لانه لیس اهل الدیانات  
بل من ارباب الخداع و انخیانه شرح ملا علی قاری بر موطا امام محمد رحمه الله تعالی

محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی
محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی	محمد بن محمد بن ابن ابی

صالح مضمون اسکایه بکر اگر کوئی شرک کند و شکاک کشتیک غیره مجوسی یا مجوس را یا مجوس را

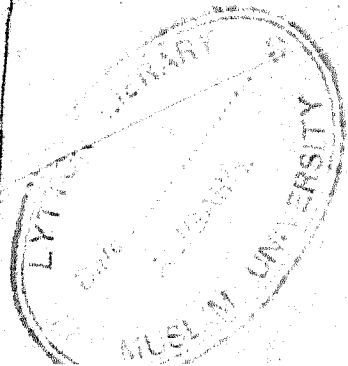
ضمیمه کتاب

اور کوئی مشرک گوشت بیچتا ہو اور کتا ہو کہ میں نے اس جانور کو مسلمان سے بیچ کر لیا ہے تو اس  
 بات میں اس کے کہنے کا اعتبار نہیں اور اس کا کھانا اور خریدنا درست نہیں اور اگر کسی  
 مشرک نے مسلمان کے ہاتھ سے جانور بیچ کر لیا اور وہ جانور مسلمان کی نظر سے غائب  
 ہوا پھر وہ مسلمان سے خریدنا درست نہیں ہاں اگر بعد بیچ کے اس کو اپنی نظر سے غائب ہوئے  
 نہیں اور اس وقت وہ مسلمان سے خریدے تو جائز ہے اور اگر مشرک نے مسلمان سے بیچ کر لیا اور اس  
 سے اس مسلمان ہی کے سامنے وہ مشرک کھٹیک غیر اپنی بیوی بیٹی کو ہاتھ دیا کسی اور  
 مشرک کو ہاتھ اس گوشت میں کسی مسلمان کے گھر بھیج دیا اور اس کا بھی خریدنا درست نہیں  
 اصل اس مسئلہ میں یہ ہے کہ بعد بیچ کے مسلمان کی نظر سے اگر گوشت ایک خطہ بھی غائب  
 ہو جاوے اور اس کا لینا اور کھانا اور خریدنا درست نہیں اب بھائی مسلمانوں کی  
 خدمت میں عرض یہ ہے کہ کھٹیک غیر گوشت سرگرمول نہ لیا کریں اور لیا کریں تو  
 اپنے سامنے مسلمان سے بیچ کر اپنی نظر سے غائب نہ ہو دیا کریں کیلئے کہ یہ درست ہے اور  
 نہیں تو یہ سمجھ لو کہ دنیا میں جتنے روزے ہیں جتنے روزے گوشت سے صبر کرنا آسان ہے  
 کی نعمتوں سے محروم رہنا اور دفعہ کی آگ پر صبر کرنا شکل ٹپکا اللہ توفیق عنایت کرے

### خاتمۃ الطبع

بعد ثنائی کبریا و درود بر اشرف انبیاء علیہ السلام مسائل فقہ مسیحی بہ بالا بدینہ تصنیف  
 عالم ربانی حضرت قاضی سید الدین ربانی پتی باضافہ حواشی لائقہ بالفتی فی الزوال مع  
 رسالہ وچتر شمسائل ضروریہ لادبیہ و رسالہ تتمہ کلمات کفر و وصیت نامہ رسالہ انبیاء علیہ السلام  
 و احکام این محلہ رسائل ضمیمہ بالا بدینہ شدہ جاہ فروزی شہ اسم مطابقی ماہ ربیع الاول  
 ہجری ۱۲۸۶ شہر کانپور بریل گرامی جناب منشی نول کشور صاحب عم فیضہ تہام لالہ شیشہ دیوانی منصر

ضمیمہ لادبیہ









CALL No. { ۲۹۷۶۳۴۱ } ACC. NO. ۲۷۳

AUTHOR \_\_\_\_\_

TITLE \_\_\_\_\_

فصل  
۲۹۷۶۳۴۱  
شام  
۳۱  
۲۷۳  
لالہ پرمنہ

Date	No.	Date	No.



MAULANA AZAD LIBRARY  
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.